نماز گندزدای درونی
کلر گندزدای برونی الگوی ذهنی / عملکردی
علی طاهری

بسم الله الرحمن الرحیم

نماز گندزدای درونی- کلر گندزدای برونی الگوی ذهنی - عملکردی

نویسنده:

علی طاهری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نماز گندزدای درونی- کلر گندزدای برونی الگوی ذهنی - عملکردی ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
اشاره ----- ۷
مقدمه: ----- ۸
نماز ----- ۱۱
مقدمات نماز ----- ۱۲
الف: نیت ----- ۱۲
ب: غسل و یا وضو (یا تیمم) ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
الف - گند زدایی در اندامهای حرکتی (عملکرد حرکتی) ----- ۱۴
۱-فرآیند دیدن: ----- ۱۴
۲ - فرآیند شنیدن: ----- ۱۶
۳ - فرآیند های استشمام (بویایی)، و لا مسه (لمس کردن): ----- ۱۸
۴ - فرآیند خوردن (یاچشیدن): ----- ۱۸
۵- فرآیند راه رفتن: ----- ۲۰
۶- فرآیند گندزدایی عضله زبان: ----- ۲۴
ب: گندزدایی در دریافت و ادراک ----- ۲۷
مبطلات وضو : ----- ۲۸
ج : مکان ----- ۳۲
د: زمان ----- ۳۷
ه: لباس ----- ۳۹
اذان ----- ۴۲
اشاره ----- ۴۲

الله اکبر (۴) ---------- ۴۲
اشهد ان لااله الا الله (۲) ---------- ۵۷
اشهد ان محمدا" رسول الله (۲) ---------- ۶۵
اشهد ان علی" ولی الله و اشهد ان علی"حجت الله ---------- ۷۰
حی علی الصلاه (۲) ---------- ۷۴
حی علی الفلاح (۲ مرتبه) ---------- ۷۹
حی علی خیرالعمل (۲مرتبه) ---------- ۸۴
الله اکبر (۲مرتبه) ---------- ۸۹
لا اله الی الله (۲مرتبه) ---------- ۹۵
سوالات پایانی مبحث اذان ---------- ۹۸
اقامه ---------- ۱۱۱
نتیجه گیری : ---------- ۱۱۷
با توجه به موارد فوق : ---------- ۱۱۸
درباره مرکز ---------- ۱۲۷

نماز گندزدای درونی– کلر گندزدای برونی الگوی ذهنی – عملکردی

مشخصات کتاب

سرشناسه : طاهری، علی،

عنوان و نام پدیدآور : نماز گندزدای درونی- کلر گندزدای برونی الگوی ذهنی – عملکردی/ علی طاهری.۱۳۹۳

عضو هیئت علمی گروه بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۸۳ ص.؛ ۵/۱۴× ۵/۲۰ س م.

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز

موضوع : نماز -- جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/۲/ق۴د۷ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

ص: ۱

اشاره

مقدمه:

بسم الله الرحمن الرحیم

الف- بسم الله : به نام خدا

بیان این مفهوم می بایستی: ویژگیهای زیر را درانسان برخوردار از تفکر و ارزشیابی و انتخاب؛ بصورت عملکرد ذهنی-حرکتی (که در حقیقت در زمره ویژگیهای فطری انسان محسوب گردیده است) بازیافت و تقویت نماید:

۱.توحید و یکتا پرستی

۲.حرکت در جهت یکتاپرستی

۳.خودیابی

۴.حرکت در جهت اصلاح خود

۵.حرکت در جهت تغییر واصلاح جامعه

۶.حرکت در جهت تشکیل جامعه بی طبقه توحیدی

۷.ارزشیابی پیوسته ومداوم عملکرد ذهنی-حرکتی خود در راستای تحقق اهداف فوق

۸.ایجاد جامعه ایمن – پویا –خلاق

۹.جایگزینی زندگی بجای زیست

۱۰.تحقق مفهوم زندگی

۱۱.زیبانگریستن

۱۲.زیبازندگی کردن

ب-الرحمان الرحیم: بخشنده ومهربان

نقش این مفهوم درتقویت "خود" و در دوری گزیدن از منیت وخود محوری ونیز قناعت در کلیه موارد مطروحه در فرهنگهای اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی، فرهنگی وعقیدتی کاملا مشهود است.

انسان به معنای حقیقی خود"بخشندگی" را بعنوان یکی از ویژگیهای فطری خود قلمداد نموده وانسان معتقد به اصول اسلامی آنرا بعنوان یکی از مهمترین خصلت های مشترک بین خالق وخود می پندارد.

بخشندگی توام با عدالت است وبدون عدالت بی معناست .عدالت به معنای قرار گرفتن هر حقی به جای خود می باشد.

اگر جابجایی حق ها بصورت عمدی باشد و موجب بهم زدن تعادل اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ، فرهنگی ویاعقیدتی فردی ویاجمعی جامعه گردد بخشندگی

جایگاهی نداشته وموجب اضمحلال جامعه می گردد.

بخشندگی موجب تقویت روحیه فداکاری وایثار وافزایش مهرورزی ومحبت درون گروهی وبرون گروهی و در نتیجه ثبات جامعه در کلیه سطوح گردیده، و جاده ایمن در فرایند رسیدن به یک جامعه توحید محوری را هموار می سازد.

در حقیقت این مفهوم زمانی مصداق پیدا می نماید که آگاهانه فعلی توسط فاعل صورت گرفته باشد.

بنا براین- این مفهوم می بایستی عملکرد های ذهنی-حرکتی زیر را در فرد و جامعه تحکیم و بصورت یک "عملکرد رفتاری" به آن عینیت بخشد:

۱.گذشت وچشم پوشی

۲.تعامل ودوستی

۳.باعشق به زندگی فردی نگریستن

۴.با عشق به زندگی اجتماعی نگریستن

۵.با عشق به طبیعت نگریستن

همانطور که مشاهده می گردد؛ تبیین این ویژگی موجب رشد وسازندگی،تولید وحرکت در کلیه سطوح اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،فرهنگی وعقیدتی فردی واجتماعی می گردد.

نماز

نماز عهـد نامه ای است فی مابین انسان وخالق که در آن: انسان متعهد میگردد جهت سپاسـگذاری از خالق؛ اصولی که مرتبط بـا فراینـد زنـدگی فردی، اقتصـادی،اجتماعی،سیاسـی،فرهنگی وعقیـدتی خود می باشـد را در فاصـله زمانی بین دو نوبت نماز رعایت نموده و عملکردی نماید درغیر اینصورت اقامه آن لقلقه زبانی بیش نخواهد بود. خصوصاً تظاهر به ان بعنوان یک سـم مهلک در اضمحلال رفتارهای سالم اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،فرهنگی وعقیدتی قلمداد می گردد.

جهت اقامه نماز مقدمات و ارکانی لازم می باشد که عملکرد هر یک را ذیلاَ مورد بررسی قرار می دهیم:

الف : نیت

ب : غسل ویا وضو (در صورت عدم امکان تیمم)

ج : مکان

د : زمان

ه:لباس

مقدمات نماز

الف: نیت

مفهوم نیت در حقیقت قصد وتصمیم انجام کار ویا فعال کردن عملکرد ذهنی-حرکتی جهت انجام یک فرایند در تولید یک فرآورده می باشد.

فرآورده نماز؛ خود باوری ودر نتیجه خودیابی بوده که انسان را برای یک زندگی فردی واجتماعی مرتبط با عناصر اقتصاد،سیاست،دانش و تجربه،فرهنگ و عقیده، ارتباط و تعامل،حق و عدالت و... متناسب با مفهوم انسانی در فاصله زمانی بین دو نوبت نماز آماده می سازد و در حقیقت فرایند عملکردی ذهنی- حرکتی او را درَ این فاصله زمانی مشخص می نماید. نیت ،قصد انجام این فرایند در راه رسیدن به فرآورده مورد نظر می باشد.

ب: غسل و یا وضو (یا تیمم)

اشاره

مطمئناً برای برقراری ارتباط با خالق هستی تطهیر وآلوده زدایی در کلیه سطوح عملکرد ذهنی- حرکتی فردی واجتماعی مرتبط با عناصر اقتصاد،سیاست،دانش و تجربه،فرهنگ و عقیده، ارتباط و تعامل،حق و عدالت،طبیعت و محیط زیست و... از جمله اصول اولیه ای است که بعنوان یک امر واجب می بایستی توسط فرد ویاافراد نمازگزار[نمازانفرادی و یا دستجمعی(جماعت)] بصورت عینی و عملکردی ملموس گردد.

۲-۱: نیت

نیت برای انجام غسل یا وضو ویا تیمم نیت جهت تطهیر است . تطهیر در موارد زیرو از با لا به پایین صورت می پذیرد:

۱-تطهیر از مرکزتفکر درفرآیند "دریافت و ارزشیابی وانتخاب وتصمیم گیری"[فرمانده بدن(مغز)] صورت می پذیرد.

۲-تطهیر درعملکرد اندامها ی حسی وحرکتی درفرآیند، دریافت دستور وحرکت (انجام وظیفه) صورت می پذیرد.

یاد اوری مهم :تطهیر در عملکرد مدیریتی انسان در کلیه سطوح مدیریتی فردی و اجتماعی ودر زمینه های؛ اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ،تعاملی،علمی و... بین فرد ومحیط اجتماعی – فرهنگی خود صورت می پذیرد.

(تطهیر همان گندزدایی درونی و برونی است .)

۲-۲ عملکرد:

فرآورده ها و بعبارت دیگر محصولا ت وضو عبا رتند از :

الف – گند زدایی در "دریافت" توسط اندامهای حسی – حرکتی مانند :

فرایند گندزدایی دیدن.

فرایند گندزدایی شنیدن.

فرایند گندزدایی بوییدن.

فرایند گندزدایی لمس کردن.

فرایند گندزدایی چشیدن.

فرایند گندزدایی راه رفتن.

فرایند گندزدایی قیافه گرفتن و اشاره کردن.

فرایند گندزدایی چشم و ابرو بالا انداختن و تمسخر کردن.

فرایند گندزدایی استفاده از عضله زبان در ادای کلمات و برقراری ارتباط .

ب – گندزدایی در دریافت و ا دراک ، فرهنگهای دریافتی توسط اندامهای حسی و درنتیجه انتقال فرهنگ مناسب به حافظه کاری (مرکز مدیریت وفرماندهی)جهت تصمیم گیری در ارزشیابی ، انتخاب و عملکرد مناسب.

الف – گند زدایی در اندامهای حرکتی (عملکرد حرکتی)

۱–فرآیند دیدن:

یکی از مهمترین فرآیندهای منحصر به فرد انسان می باشد که توسط آن دیدن فیزیولوژیکی توام با تجزیه وتحلیل و تعلیل وارزشیابی وانتخاب می باشد.

زیبایی وتمایل به دریافت آن ، از جمله ویژگی های انسان محسوب می گردد . به همین علت تمایل او به دریافت اندیشه ها ، فرهنگ ها ، ایدئولوژی ها وعملکرد های زیبا و متناسب با طبیعت او بسیار زیاد است.

دیدن با بصیرت طبیعت اطراف و تجزیه وتحلیل و تعلیل عملکردی آن موجب پی بردن به عظمت خلقت ودر نتیجه پند آموزی در بازدهی و اثر بخشی " خود "ونیز در تغییر ورشد وتعالی " خود "وجامعه تحت پوشش خود ، در مسیر حرکت بسوی یک جامعه پویا وخلا ق می گردد .

**اللهم الجعل نور فی بصری والبصیرت فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامت فی نفسی والسعته فی رزقی **

تجزیه وتحلیل دعای فوق درهنگام نیت جهت انجام وضو؛ اهمیت اثر بخشی عملکرد وضو را در گند زدایی وآلوده زدایی درونی وبرونی ، کاملا مشهود می سازد.

دیدن توام با بصیرت وتجزیه وتحلیل دریافت های ناشی از فرآیند دیدن عامل بسیار مهمی در راه رسیدن به " خودیابی " ودر نتیجه اصلاح عملکرد ذهنی-حرکتی متناسب با اصول انسانی - الهی است.

دیدن؛ یعنی استفاده از نیروی مشاهده درفرآیند دریافت ،ادراک،پردازش (توجه وپیوند زدن به مفاهیم درونی شده قبلی) ،ارزشیابی وانتخاب و درونی نمودن مفاهیم یا بعبارت ساده تر دیده شده های جدید و عملکردی نمودن آن بعنوان یک فرهنـــــــــگ (اســـــــــتفاده از ان در عملکرد ذهنی – حرکــــــــــتی) متنـــــــــاسب، در فرهنگ اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،عقیدتی،علمی،تعاملی،فردی و...می باشد ، که اگر متناسب با ویژگی های فطری ،و براساس "حق"فرآیند دیدن و در چهارچوب مفهوم انسانی نباشد ،چه بسیار خطاهایی که تحت عنوان "ارتکا ب به گناه" صورت پذیرفته که آلودگی فردی و اجتماعی را بدنبال خواهد داشت.

افزایش دانش نشئت گرفته ازعناصر؛ "محرک" ، "توجه" ،"دریافت" ، "ادراک" ، "ارزشیابی و انتخاب" ، در فرد وجامعه موجب افزایش قدرت تفکر ونتیجتا" "حل مسئله" گردیده و باز خورد آن در گندزدایی فرآیند دیدن فردی و اجتماعی ملموس خواهد بود.

ارتباط یافته های جدید بادانسته های قبلی، نه تنها از طریق فرآیند دیدن موجب افزایش انگیزش ودر نتیجه ارتقاء فرآیند یاد گیری وتغییر گردیده بلکه تاثیر مستقیم در ارتقاء عملکردی سایر اندام های حسی و حرکتی در این راستا می گردد.

۲ – فرآیند شنیدن:

نیز همانند دیدن یکی دیگر از مهمترین ویژگی های منحصر به فرد انسان در راه رسیدن به خودیابی وشکل دهی ساختاری فرهنگ ، و در نتیجه عملکرد ذهنی – حرکتی" خود" در کلیه سطوح اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی محسوب می گردد.

مطمئناً گندزدایی فرآیند دیدن انسان را در بایدها ونبایدها ، نوع و شیوه نگاه کردن متناسب با اصول انسانی والهی مسئول ومتعهد می سازد.

گندزدایی فرآیند شنیدن نیز انسان را در دریافتهای نشأت گرفته از صدا وپیامهای مرتبط، متعهد ومسئول می نماید. وبسیاری از باید ونبایدها را پس از بررسی وارزشیابی آن توسط حافظه کاری در مغز ثبت وضبط نموده وتا نوبت بعدی گرفتن وضو بصورت عملکردی تبدیل می نماید.

(دیدن موارد ممنوعه وشنیدن موارد ممنوعه که موجب هتک حرمت ویا ایجاد اختلال در نظام اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و...... یک فرد ویا یک گروه ویا یک جامعه گردیده وموجب تضیع حق می گردد.)

گندزدایی فرآیند شنیدن درحقیقت فرآیند "دریافت" وعبوردادن شنیده هاازفیلترهای ادراک و ارزشیابی بوده که نتیجتاً منجر به انتخاب دریافت های متناسب با ویژگی های فطری (انسانی)گردیده وبا گره زدن (یاپیوند زدن) دریافت ارزشیابی شده و انتخاب شده با مفاهیم ذهنی درونی شده قبلی، تغییردرعملکرد ذهنی-حرکتی(رفتارموجود)بوجود آورده و رفتار صحیح

وجدیدی را بعنوان یک فرهنگ جایگزین آن می سازد.

ویا اینکه اگر دریافتهای انتخابی ناشی از فرآیند شنیدن با مفاهیم درونی شده قبلی تطابق داشته باشد نسبت به تثبیت فرهنگ درونی شده موجود، وتحکیم آن بصورت یک فرهنگ پایداراقدام نماید.

۳ – فرآیند های استشمام (بویایی)، و لا مسه (لمس کردن):

نیز در حین نیت برای انجام وضو از جمله مواردی هستند که جهت گندزدایی می بایستی مورد توجه قرارگیرند.

بایستی ها ونمی بایستی ها دراین فرآیندها نیز مورد بررسی وتجزیه وتحلیل وتعلیل واقع گردیده ودر این راستا وتا زمان نوبت بعدی وضو، بصورت عملکردی ،خود را در معرض نمایش قرار می دهند .

جهت روشن شدن بیشترموضوع چند سوال زیر را مطرح می نماییم:

آیا ما مجاز به تنفس گاز خردل(گاز فلج کننده سیستم اعصاب) و بعبارتی دیگر استشمام آن می باشیم؟

آیا مجاز به تولید گاز خردل وتوزیع آن در محیط زندگی دیگران می باشیم؟

آیا مجاز به تولید آلودگی هوا و افزایش آلاینده های مضره تنفسی ویا پوستی آن می باشیم؟

آیا مجاز به لمس کردن مستقیم ذغال گداخته می باشیم؟وآیا این عمل موجب سوختگی شدید وآسیب رساندن به پوست وعضلات نمی شود؟

آیا مجازیم در روابط فردی ازفرآیندهای استشمام ولامسه بصورت غیر مشروع ودر هرجا ومکانی استفاده کنیم؟

وآیا....

۴ – فرآیند خوردن (یاچشیدن):

(تغذیه و تامین انرژی مورد نیاز) از جمله مهمترین مواردی است که در هنگام نیت برای انجام وضو دقیقاً می بایستی مورد بررسی قرار گرفته ومنبع وچگونگی کسب درآمد، تهیه ، آماده سازی و مصرف موارد مرتبط در این فرآیند مورد ارزشیابی قرار گرفته تا مفاهیم حلال وحرام و.......بصورت عینی در عملکرد ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی، جلوه گر گردیده وعدالت اقتصادی بصورت یک فرهنگ پویا ومولد ملموس گردد.

تقویت روابط اجتماعی مطلوب وطرد روابط نامطلوب آن در رعایت حقوق دیگران از جمله ویژگی هایی است که در هنگام نیت برای وضو ضروری است که وضو گیرنده مورد پردازش قرار داده ودر مورد انجام آن تصمیم جدی اتخاذ نموده وبه صورت عملکرد ذهنی - حرکتی به آن عینیت بخشد.

آیا چشیدن و یا خوردن اسیدها ویا بازها(قلیاها)به سلامتی ما لطمه وارد نمی کند؟ وایا ما مجاز به این کار می باشیم؟ و ایا این کار خودکشی نیست؟

آیا مجاز به چشیدن ویا خوردن هرآنچه که در اطراف ما وجود دارد می باشیم؟

آیا مجاز به استفاده از خوردنی ها و نوشیدنی های مضر به سلامت جسم و روح خود می باشیم؟

آیا مجازیم جهت سیرکردن شکم خود به هر شیوه ممکن(حتی تجاوز به حقوق دیگران)اقدام نماییم؟

آیا(به اصطلاح)جهت استفاده بهینه فرآیند چشیدن و خوردن ،مجاز به کم فروشی، احتکار وگرانفروشی، کلاهبرداری و کلاه گذاشتن،دروغ و دروغپردازی و تزویر و ریا،چاپلوسی و تملق گویی و بردگی و بندگی دیگران،ظلم و ستم(چه در حکم ظالم و چه در حکم مظلوم) و...؛در کلیه شئونات زندگی (اقتصادی ، اجتماعی،سیاسی،علمی،فرهنگی،عقیدتی،تعاملی و...) می باشیم؟

آیا جهت لذت بردن از فرآیند چشیدن و خوردن مجاز به خود فروشی،دگرفروشی،عقیده فروشی،فرهنگ فروشی،مکتب فروشی،پیامبر فروشی،امام فروشی،خدا فروشی،انسانیت فروشی و...می باشیم

ودر این راستاست که در هنگام نیت، و نیز در حین انجام فرآیند وضو می بایستی با فعال سازی حافظه کاری، نسبت به ارزیابی (اندازه گیری و ارشیابی) عملکرد ذهنی _حرکتی خود در فاصله بین دو وضو یا دو نماز،اقدام نموده و عملکرد نامطلوب را از حافظه درازمدت حذف نموده و عملکرد مطلوب (الهی _انسانی)را جایگزین آن نموده و نسبت جبران خطاهای گذشته ی بین دو وضو اقدام نمود.

۵– فرآیند راه رفتن:

گام برداشتن ،طی طریق کردن ویا بعبارت کلی تر راه رفتن تابع مقرراتی است.که می بایستی توسط راه پیما مورد توجه قرار گیرد .به نحوی که نه تنها به خود آسیبی وارد نکرده بلکه مزاحمتی برای دیگر انسانها ایجاد ننموده و مانع حرکت آنان نگردند.

اکنون جهت روشن تر شدن گندزدایی فرآیند راه رفتن به چند سوال زیر می پردازیم:

آیا بدون داشتن کفش ایمن و مناسب می توان در هر مسیری و با هر مانعی به راه رفتن پرداخته و به مسیر خود جهت رسیدن به مقصد ادامه داد؟

مسیرهای سنگلاخی،کوهستانی مملو از خار و خس؟

مسیر های باتلاقی؟

مسیرهای بیابانی و گرمسیر؟

مسیر های......

شیوه حرکت به نوع مسیر بستگی داشته و ابزارهای مورد نیازنیز جهت حرکت و طی طریق متفاوت است:

-شیوه حرکتی در مسیرهای خشک و آفتابی و سوزان با مسیرهای سبز وخرم و مرطوب متفاوت است.

- شیوه حرکتی درمسیر های باتلاقی با مسیرهای دیگر متفاوت است.

- شیوه حرکتی درمسیر های آبی و دریایی با مسیرهای خشکی و جاده ای متفاوت است.

-شیوه حرکتی در جوامع کم سواد و همگرا و مطیع با جوامع باسواد و متفکر و خلاق وواگرا متفاوت است.

-شیوه حرکتی در دانشگاه، با دبستان و دبیرستان متفاوت است.

-شیوه حرکتی جوامع محصور با جوامع باز و غیر محصور متفاوت است.

- شیوه حرکتی جوامع امروزی با جوامع دیروزی متفاوت است.

-شیوه حرکتی جوامع باز با جوامع بسته متفاوت است.

وآیا نمی بایستی قبل از حرکت ابزار و لوازم مناسب، با توجه به شرایط جوی و مسیر حرکتی را آماده نموده و نسبت به شناخت مسیر حرکتی و مقصد نهایی و چگونگی و یا شیوه حرکتی اقدام نموده و با توجه به آن سرعت حرکت و شتاب آن را تنظیم نموده و با توجه به علائم راهداری ها و راهنمایان مرتبط شروع به حرکت نمود.

آیا در فرآیند شیوه حرکتی مجاز به ایجاد مانع برای شروع و یا ادامه حرکت دیگران می باشیم؟

وآیا مجاز به مسدود نمودن جاده و اختصاصی نمودن آن و جلوگیری از حرکت دیگران جهت رسیدن راحت تر به مقصد می باشیم؟

آیا قبل از شروع حرکت ،و یا در حین حرکت ؛مجاز به تنه زدن یا هل دادن دیگران ،و یا با زیگزاگ راه رفتن موجب کند شدن حرکت دیگران می باشیم؟

آیا مجازیم با زور و چماق و قلدری کفش های دیگران را از پایشان در آورده و خود بپوشیم و به حرکت ادامه دهیم؟

وآیا ....؟

بنابراین گندزدایی فرایند راه رفتن (که توسط اندامهای حسی -حرکتی و با توجه به صدور فرمان از مرکز فرماندهی(مغز) صورت می پذیرد) چه بصورت فیزیکی و فیزیولوژیکی،و چه به صورت عملکرد ذهنی حرکتی در کلیه شئونات مرتبط با فرهنگ های اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،علمی،فرهنگی و عقیدتی و.... می بایستی توسط وضو گیرنده در هنگام انجام فرآیند"مسح پا"مورد توجه قرار گرفته و انجام پذیرد.

طی طریق کردن جهت رسیدن به هدف توسط دستها از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد.

عالمـان، دانشـمندان، نویسـندگان، روحانیون، مراجع،اساتیـد دانشـگاهها،دبیران و آموزگاران و متولیان تولیـد و انتقال دانش و فرهنگ و...ازجمله گروه هایی هستند که

طی طریقشان جهت رسیدن به مقصد، عمدتا" از طریق نوشتن و مکتوب کردن تراوشات ذهنی؛ و انتشار و انتقال آنها به دیگر انسانها توسط دستها صورت می پذیرد.

پزشکان ، مهندسین ،طراحان ، شاغلین کلیه حرفه های یدی و غیر یدی که عمدتا" تولیداتشان توسط دستها صورت می پذیرد.

نانواها، مکانیک ها ،خودروسازها،جوشکارها ،ساختمان سازها ، خودرو سازها ،کشاورزان و بیل زنان و...تولیداتشان توسط دست ها صورت می پذیرد.

دانشجویان و دانش اموزان نیز از طریق دست ها به فرآیند دریافت و ادراک و ارزشیابی و انتخاب و خودسازی و شکل دهی فرهنگ خود می پردازند.

خانم های خانه دار نیز عمدتا" با دست های خود به امور مدیریتی خانواده مشغول بوده وهدایتگر آن می باشند.

و......

بنابراین ضرورت ایجاب می نماید که هنگام وضوسازی و در حین شستن دست ها از بالا به پایین عملکرد حرکتی دست ها را در فرآیند حرکت و طی طریق در ذهن فعال نموده وضمن اندازه گیری و ارزشیابی آن در فاصله بین دو وضوجهت کنترل وضعیت؛ نسبت به نمره دهی عملکردها اقدام نموده، قبولی جهت ادامه مسیر ویا مردودی جهت تغییر مسیر حرکتی؛ و انتخاب مسیر مناسب با ویژگی های الهی- انسانی اقدام نماید.

۶- فرآیند گندزدایی عضله زبان:

زبان در انسان تنها یک عضو عضلانی صرف نیست که در جهت فرآیندهای خوردن ویا تولید صداهای نا مفهوم (همانند سایر موجودات)مورد استفاده قرار گیرد،بلکه یکی از عضوهای منحصر به فردی است که تمایز بین انسان و سایر موجودات زنده را نمایش می دهد.

این عضو عضلانی وسیله ارتباطی بین انسانها و وسیله ارائه، انتقال وانتشار فرهنگ های درونی شده می باشد.زبان مهمترین ابزار ارتباطی است که آلت دست مغز قرار داشته و هر چه او فرمان دهد به اجرا گذاشته و نحوه چرخش خود را تنظیم می نماید.

زبان ؛این عضو اوج دهنده ویا ساقط کننده نهاد آدمی از اصول انسانیت و ویژگی های مرتبط می باشد که می بایستی در هنگام انجام حرکت سمبلیک وضوسازی (اعم از نیت ویا هنگام شستشوی صورت و عبور آب از روی لب ها)مورد توجه ویژه جهت انجام فرآیند ارزشیابی و گندزدایی قرارگیرد.

حق گویی و ظلم ستیزی دو ویژگی است که می بایستی در این هنگام تولید و تقویت شده وتا فاصله بعدی فرآیند وضوسازی تداوم یابد.

دروغگـویی و دروغ پردازی،تهمت وافـترا و غیبت،تملق گـویی وچاپلوسـی و بله قربـان گـویی ،تاییـد (بـدون تفکر وارزشـیابی) عملکردهـا وشـنیده شـده هـا،شـهادتها و گـواهی هـای خلاـف واقع،تجارتهـا و کسب و کارهـای توام بـا معرفی خلاـف و دور ازحقیقت کالاهای درمعرض دیـد قرار داده شـده (اعم از مادی یا فرهنگی ومعنوی)،سوگنـدهای بیمورد و عمدتا"دروغ جهت رونق کسب وکار،فرآینـد تحکم و دستورواسـتبداد و خفقان و تهدید و ارعاب ،نظام ارباب و رعیتی حاکم بر ارتباطات تعاملی تعـادلی(عـدالت محور) ،جلوگیری از آزادی بیـان و انـدیشه ،هرزه گویی و مورد تمسـخر قرار دادن فرهنـگ فردی و اجتماعی دیگران(جامعه)،تبلیغات دروغ و حساب نشـده از طریق وسایل ارتباط جم)،تضـعیف نقاط قوت فرهنگ بومی ،و تبلیغ بی چون وچرا وچشم بسته ی(ارزشیابی نشده) فرهنگ غیر بومی،آلودگی های صوتی انسانی و... می بایستی در هنگام فرآیند سمبلیک وضو هم درنیت و هم در تطهیر عملی(وضوسـازی) مورد بـازبینی و ارزشـیابی و کنترل و اصـلاح ، تا مرحله بعـدی وضوسازی قرارگیرد .

ب: گندزدایی در دریافت و ادراک

ب-گندزدایی در دریافت و ادراک ، فرهنگهای دریافتی توسط اندامهای حسی و درنتیجه انتقال فرهنگ مناسب به حافظه کاری (مرکز مدیریت وفرماندهی)جهت تصمیم گیری در ارزشیابی ، انتخاب و عملکرد مناسب:

همانطور که دریافت و ادراک و ارزشیابی می شود؛اندام های حسی – حرکتی؛ عبد ، مطیع، بنده و مجری بی چون وچرای فرامین مغز، یا بعبارت دقیقتر، مرکز دریافت و ادراک و ارزشیابی و انتخاب بوده که صدور دستور اجرا از آنجا نشأت می گیرد.بنابراین حرکات سمبلیک فرآیند وضو (نیت و اجرا) تنها وتنها جهت تولید و تمرین و تکرار و تلقیین فرایندهای ذهنی_حرکتی مغز در راستای اصلاح و تربیت عملکرد های فردی واجتماعی در ارتباط با خود و محیط اقتصادی، سیاسی ، اجتماعی ، علمی،فرهنگی و عقیدتی، تعاملی و...خود تا نوبت بعدی وضوسازی صورت می پذیرد.

مبطلات وضو :

مبطلات وضو؛ خود نیز می بایستی مورد پردازش قرارگرفته و از آن بعنوان الگوهای مناسب جهت تدوین ، تنظیم واجرای رفتارهای مناسب فردی واجتماعی در ارتباط با خود و محیط اجتماعی ، اقتصادی وعلمی فرهنگی،عقیدتی و...."خود" استفاده نموده وآن راعملکردی نماید. بعنوان مثال :

خوابیدن:

از جمله موارد مهم مبطلات وضو محسوب می گردد و اثر تربیتی ان جلوگیری ازخود را به خواب زدن وبی تفا وت بودن در مقابل فرهنگ اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی، عقیدتی زیست محیطی و.......خود و جامعه و رویکرد ها و عملکرد های موجود می باشد .

آیا فرآیند سازش (سازگاری منفی)که در آن شخص بجای اینکه کوشش نماید محیط را به رنگ و شکل مطلوب خود درآورده و مولد و تاثیرگذار در فرهنگ های اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،علمی،عقیدتی و...باشد ودیگران را به دنبال افکار خود بکشاند (سازگاری مثبت)؛ برای رسیدن به اهداف خود وباتوجه به خصلت های" ابن الوقت و دمدمی مزاج بودن" و وجود ویژگی "تملق گوئی و چاپلوسی" ،می کوشد خود را با وضع موجود محیط همرنگ نموده و سازش پیدا نمود و چشم خود را بر روی حقایق می بندد ،آیا این فرآیند "خودرا به خواب زدن " نیست ؛وآیا نمی توان آنرا بعنوان یکی از عوامل ابطال کننده وضو دانست.

آیا سعی در فعال سازی حافظه کاری که هدایت کننده فرایند انتقال و تحریک محرک به منظور مقایسه آن با آنچه که فرد ازقبل در حافظه دائمی خود دارد ودر نتیجه معنی پیدا کردن اطلاعات دریافتی که منجر به ادراک و یادگیری بامعنا شده و پویایی فرهنگی را به دنبال می آورد ،را جزو ملحوظات هنگام وضو نمی توان دانسته و عدم توجه به ان و درنتیجه ثابت نگه داشتن دانشها و ارزش ها و....ی موجود ذهنی، به معنای خود را به خواب زدن نیست و جزو مبطلات وضو به حساب آورد.

در حقیقت انجام این فرآیند یعنی شرط بیداری برای تداوم وضو می بایستی؛ تفکر خلاق را در انسان فعال نموده وقوه ی تجزیه وتحلیل وارزشیابی وانتخاب ونهایتا" خلاقیت که از جمله ویژگی های منحصر به فرد انسان در بین مخلوقات کره زمین بوده و ویژگی مشترک بین انسان و خالق می باشد را بیدار و فعال نماید.

این فرآیند یعنی بیدارسازی وجلوگیری ازخواب وخواب آلودگی جامعه را نیز جزء وظایف خود محسوب می نماید(فریضه واجب امر به معروف و نهی از منکر).

دفع ادرار ومدفوع وحتی خروج گازهای معده نیز از مبطلات وضو محسوب می گردد. بنابراین :

هر آنچه که موجب آلودگی در محیط اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی، فرهنگی ، عقیدتی ، زیست محیطی و...... گردیده و موجب ایجاد اختلالات وناهنجاریهای جبران ناپذیری درفرهنگهای فوق می گردد وضو را باطل می نماید. چندسوال زیست محیطی :

۱- آیا ما مجاز می باشیم از وسیله نقلیه ای استفاده کنیم که با سوخت ناقص ، ویا اگزوز نامناسب موجب آلودگی هوا وآلودگی صوتی گردد ؟

۲- آیا ما مجاز می باشیم با رانندگی نامناسب و عدم اجرای مقررات ، امنیت دیگران را سلب نمائیم ؟

۳- آیا ما مجاز به حرکت در هر مسیری بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران وحق تقدم انان می باشیم ؟

۴- آیا نمی بایستی فرآیند گندزدایی جامعه و اصلاح ساختاری ان را از سطوح مدیریتی آغاز نمود ؟ (آیا ما مجاز به حرکت بدون دخالت در عملکرد فرمان اتومبیل می باشیم ؟) ۵- وآیا نمی بایستی خود راسأ؛ کنترل فرمان زندگی را در تعیین رویکردها واستراتژی ها وتاکتیک های مناسب در فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی وعقیدتی و... در اختیار گیریم ؟

۶- آیا کنترل و در اختیار گرفتن فرمان زندگی بدون توجه به در نظر گرفتن حقوق دیگر انسان ها باید صورت پذیرد ؟

۷- آیا ما مجاز می باشیم با اتخاذ سیاستهای نادرست و یا احتکار وگرانفروشی، یا رابطه گرایی وکسب درآمدها ی هنگفت از طرق نامعقول ونامشروع ؛موجب ایجاد اختلال واز هم گسیختگی نظام اقتصادی فردی واجتماعی گردیم ؟

۸- آیا مجاز به جلوگیری از ابراز عقیده ودر نتیجه خلاقیت دیگران می باشیم ؟

۹- آیا مجاز به عدم رعایت عدالت تعاملی می باشیم ؟

۱۰-آیا مجاز به غیبت کردن وتهمت بستن و افترازدن می باشیم ؟

۱۱-آیا مجاز به ترور شخصیت می باشیم ؟

۱۲-آیا مجاز به خودکشی و یا دیگرکشی می باشیم ؟

۱۳-آیا مجاز به حق کشی و چشم پوشی روی حق می باشیم؟

۱۴-آیا مجاز به باند بازی می باشیم ؟

۱۵-آیا مجاز به رابطه گرایی می باشیم ؟

۱۶-وبسیاری آیاهای دیگر...

بنابراین مفهوم مبطلات وضو می بایستی موجب اندیشیدن وتعمیم دادن آن؛ در کلیه سطوح عملکردی ذهنی – حرکتی انسان ،ونیز در کلیه سطوح اقتصاد، اجتماعی، مدیریتی،سیاسی، فرهنگی، عقیدتی ،زیست محیطی و...گردد درغیر اینصورت یک فرآیند بی ارزش تلقی می گردد.

مضافاً اینکه چگونه می توان با خالق رابطه برقرار نمود بدون اینکه به مبطلات وضو بی اعتنا بوده و دائماً در جهت ابطال ان (ابطال وضو) اقدام می نماییم.

نتیجه نهایی اینکه؛ جهت برقراری ارتباط با خالق و اقامه نماز می بایستی فرآیند تطهیر را با وضوو یا غسل (یا هردو) ویا تیمم به صورت عملکرد ذهنی – حرکتی فردی واجتماعی عینیت بخشید .

مهمترین هدف عملکرد ی وضو در اقامه نمازهای جماعت ؛ تطهیر ویا گندزدایی دستجمعی ،و نهایتا جلوگیری از مبطلات ان در جمع ؛جهت اصلاح ساختاری عملکردی گروهی درالگوهای رفتاری جمعی است .

مطمئنا ملحوظ نمودن وتاکید برصواب (نهایتا"ثواب اخروی) بیش از اندازه ان ؛همانا بجز تغییر در رفتار فردی واجتماعی چیز دیگری نخواهد بود.

آیا می توان انتظار داشت که اقامه نماز جماعت بدون تغییر در رفتار(رفتارهای فردی،اجتماعی، اقتصادی،سیاسی،علمی ،فرهنگی،عقیدتی،تعاملی) ودوری ازمبطلا ت آن بتواند حاوی بار ارزشی بوده وبرای انجام آن ثوابی قائل شد؟

آیا می توان گفت که جمله " اگر تمامی درختان دنیا قلم وتمام آبهای موجود دراقیانوس های دنیا مرکب در نظر گرفته شوند؛ نمی توانند ثواب یک رکعت نماز جماعتی که بیش از ده نفر در آن شرکت دارند را بنویسند ." درمورد نماز جماعتی که فاقد بار ارزشی فوق الذکرباشد؛ صادق است ؟

آیاآگاهی دادن و تبیین مبطلات وضو در کلیه سطوح جامعه از جمله موارد مندرج در فریضه واجب امر به معروف و نهی از منکر نیست؟ و واجب نمی باشد؟

و آیا می توان ترویج چنین فرهنگی را عالمانه ؛برحق وجایز دانست ؟

ج : مکان

جهت اقامه نماز انتخاب مکان مناسب ضروری است . فرآیند انتخاب مکان یکی از رویکردهای مناسب؛ درجهت گیری وشکل دهی نظام های موجود ؛خصوصا" نظام اقتصادی، وروابط حاکم بر ان محسوب می گردد.

در حقیقت بار ارزشی آن را می توان؛ در ترسیم حقیقی فرآیند جهت دهی وشکل دهی نظام های موجود (نظام های اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،علمی،تعاملی،فرهنگی،عقیدتی و...) وفرهنگ سازی در عینیت بخشیدن به این نظام ها ،بصورت عملکرد ذهنی – حرکتی دانست.

ویژگی های این مکان را می توان بطور خلاصه بصورت زیر تبیین نمود :

-غصبی نباشد .

-نجس نباشد .

-در مسیر عبور ومرور قرار نگرفته باشد .

-در مسیر سیلا ب قرار نگرفته باشد .

-ایمنی لازم در تمامی زمینه های مرتبط را داشته باشد .

اکنون به بررسی اثرات عملکردی مفاهیم فوق در گندزدایی ذهنی – حرکتی؛

فردی و اجتماعی؛ و نیز شکل دهی فرآیند حرکتی در این زمینه، واصول حاکم بر آن می پردازیم:

غصب به معنای تملک به زور وبدون اجازه مالک.

با توجه به این مفهوم سوالات زیر مطرح می گردد:

-آیا بدون رضایت واجازه مالک؛ وارد ملک اوشدن حتی برای اقامه نماز؛غصب محسوب نمی شود ؟

-آیا تامین مسکن ازهر طریق ممکن واقامه نماز در آن اشکالی ندارد ؟

-آیا تامین مسکن به بهای برهم زدن نظام اقتصادی، وتضیع حقوق افراد جامعه ؛غصب محسوب نمی گردد ؟

-آیا کسب درآمد نامشروع وتامین مسکن ناشی از آن غصب محسوب نمی شود؟

-آیا پذیرش مدیریت ها و مسئولبت ها از طریق برقراری روابط؛ بدون داشتن شرایط وضوابط لازم؛ و در نتیجه تضییع حقوق حقه وقانونی دیگران درارائه خدمت؛ غصب محسوب نمی گردد ؟

-آیا به زور برمسند قدرت نشستن، و تحمیل خود به دریافت کننده گان، و به ناحق در جایگاه دیگران قرار گرفتن؛ غصب محسوب نمی گردد ؟.

نجس به معنای آلود گی یک شئ، ویا یک مکان، ویا یک عضو به عوامل زیان آور و بیماری زا می باشد .

اکنون پرسش این است که :

-عوامل زیان آور چه عواملی می باشند ؟

-بیماری چیست؟

-و نیز آیا تنها عوامل بیولوژیکی را می بایستی عوامل بیماری زا دانست ؟

درتبیین این موضوع چند پرسش مطرح می گردد :

-آیا آلودگی صوتی (ارائه فرهنگ نامطلوب) که موجب بهم خوردن تعادل بین مفاهیم الهی با ویژگی های انسانی گردیده و موجب ایجاد فاصله بین این دو می گردد؛ و نیز سلامت روان را به خطر می اندازد؛ در زمره ی عوامل نجس کننده محسوب نمی گردد ؟

-آیا سرپوش گذاری روی حقیقت وبیان خلاف آن جزو نجاسات محسوب نمی گردد ؟

-آیا دفاع متعصبانه از یک فرهنگ ، بدون در نظر گرفتن دگر فرهنگ ها و اجبار در پذیرش ان فرهنگ خاص ؛ و سلب ویژگی ارزشیابی وانتخاب افراد؛ که موجب ایستائی فردی و اجتماعی وسلب پویایی گردیده ؛ در زمره عوامل نجس کننده محسوب نمی گردد ؟

-آیا سلب روحیه شادی وشادابی فردی واجتماعی؛ از عوامل نجس کننده محسوب نمی گردد ؟

-آیا در معرض خطر قرار دادن امنیت شغلی و یا جانی به سبب دگراندیشی؛ و در نتیجه سلب آزادی اندیشه وتفکر وارائه ی ان؛ جزء نجاسات محسوب نمی گردد؟

-آیا درمسیر عبورو مروردیگران قرار گرفتن و با تنگ کردن ویا بستن جاده ؛ موجب کاهش سرعت حرکتی آنان ویا مانع حرکت آنان شدن نجاست محسوب نمی شود؟

-و آیاهای دیگر ...

بنابراین ملاحظه می گردد مکان نمازگزار تنها به موقعیت فیزیکی(مکان فیزیکی) محدود نشده ؛ وشامل: موقعیت های اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی،فرهنگی ،عقیدتی و... نیز بوده ؛ که می بایستی از نجاست؛ آلوده زدایی گردیده و از پاکیزگی ان اطمینان حاصل نموده، و در این راستا حرکت کرده تا بتوان نماز را اقامه؛ وارتباط با خالق را بر قرار ساخت.

مطمئنا فرآیند گندزدایی مسکن توسط نمازگزار و عاری نمودن آن از نجاسات؛ موجب می گردد تا نماز گزار مکان خود را به عنوان یک سد؛ در مسیر عبور و مرور دیگران (محل تداخل اندیشه ، عقاید ،فرهنگ،و...) قرار نداده تا موجب تضییع حقوق الهی انسانی آنان گردد.

ودر حقیقت تحت عنوان اشـاعه، دفاع و حراست فرهنگ وانـدیشه ها و عقایـد خود؛ به صورت غیر متعارف و غیر تعاملی؛ مانع برخورداری دیگر انسانها از این حق خدادادی گردد .

علاوه بر آن نمازگزار مکان خود را درمسیر سیلاب انتخاب نمی نماید تا در معرض خطر غرق شدن ونابودی و اضمحلال قرار گیرد .ودر حقیقت برای عقاید،اندیشه ها،اعتقادات ودانش های پردازش شده خود ارزش قائل گردیده واز ان صیانت کرده ودر تحکیم واشاعه آن در اجتماع از هیچگونه اقدام تعاملی دریغ نمی ورزد.

در اینجاست که می بایستی هردو مفهوم "ظالم" و "مظلوم" ؛ در فاصله بین فرآیند دو نمازمورد اندازه گیری و ارزشیابی (نقد وبررسی) قرار گرفته و نسبت به جبران خسارات وارده به خود و جامعه تحت پوشش خود؛ و محیط اقتصادی ، اجتماعی، سیاسی،علمی،فرهنگی و عقیدتی،تعاملی و... خود؛اقدام عملی صورت پذیرفته؛وآماده سازی حرکات ذهنی – حرکتی جدید ؛بدور از دو ویژگی فوق الذکر تا نوبت بعدی نمازصورت پذیرد.

عدم اجرای موارد فوق بدین معنی است که : گندزدایی مکان نمازگزار صورت نپذیرفته ؛ و در حقیقت؛ فرآیند نمازگزاری در مکان نجس ؛با حقیقت وضوو نماز مغایرت(و به جرأت می توان گفت معاضدت) کامل داشته و در صورت آگاهی و اطلاع از این موضوع ؛ فرآیند به اصطلاح وضوسازی و اقامه نماز ؛ یک عملکرد منافقانه محسوب می گردد.

د: زمان

همانطوری که می دانیم ؛ آب در نتیجه عدم حرکت و ایستائی ؛آلودگی ها را به خود جذب نموده و بیماری زا می گردد .

همچنین در نتیجه جریان و حرکت (جاری شدن در رودخانه ها ودریاها واقیانوس ها) در معرض عوامل نامساعد زیست محیطی ؛ بصورت طبیعی ویا غیر طبیعی قرار گرفته وآلوده می گردد.

این آلودگی بصورت آلودگی بیولوژیکی و یا شیمیایی نمود پیدا می نماید.

-آلودگی بیولوژیکی عمدتا شامل ورود: ویروس ها ، میکروب ها ، قارچ ها، انگل ها ، پروتوزوئر ها ،آمیب ها و... به آب می باشد.که هر کدام به دستجات وسیعی طبقه بندی گردیده و هر کدام می توانند به تنهایی سلامت انسان را به خطر انداخته و موجب مرگ او گردند.

-آلودگی شیمیایی نیز عمدتا شامل ورود عوامل شیمیایی مضر که تحت عنوان سم نامیده می شوند به درون آب می باشد.

بنابراین جهت استفاده آشامیدنی از آن ؛ می بایستی فرآیند تصفیه که شامل تصفیه شیمیایی وبیولوژیکی می باشد را در مورد آن انجام داد ؛ تا از بروز بیماریهای واگیر وغیر واگیرو مسمومیت و مرگ جلوگیری شود.

در تصفیه شیمیایی ؛ کلیه ی عوامل شیمیایی مضره ی موجود در آب ؛ که موجب مسمومیت درانسان و یا موجود زنده گردیده و سبب بهم خوردن تعادل فیزیکی،فیزیولوژیکی،و یا روانی موجود زنده (انسان) می گردد را توسط فعل وانفعالات شیمیایی حذف می نمایند .

در تصفیه بیولوژیکی که توسط کلر صورت می پذیرد؛ فرآیند تصفیه بدین صورت است که :آنقدر کلر به آب اضافه می گردد تا کلیه کلی فرم ها(عوامل بیماریزای بیولوژیکی) موجود در آب از بین رفته ؛و برای اطمینان خاطر از عدم آلودگی؛ مقدارجزئی کلر تحت عنوان کلر باقیمانده به آن اضافه می نمایند .

آب تصفیه شده چه بصورت راکد، و یا در حال حرکت ، در نتیجه تماس با عوامل محیطی؛ نیز مجددا" آلوده گردیده ؛ و می بایستی دوباره فرآیند گندزدایی در مورد آن صورت پذیرد .

نوزاد انسان بالفطره پاک وعاری از آلودگی بدنیا می آید. کم کم در نتیجه تغذیه و مراقبت و نگهداری ؛ رشد جسمانی پیدا نموده و درمقابل عوامل بیماریزا با انجام واکسیناسیون فرآیند مقاوم سازی را در خود فعال نموده و از اثرگذاری عوامل بیماریزا بر سلامت جسمانی جلوگیری می نماید.

شکل گیری شخصیتی؛ ویا بعبارت دیگر" خود" انسان ؛ تحت تاثیرمحیط اجتماعی – فرهنگی موجود صورت گرفته ورشد و تکامل می یابد.

ودر نتیجه در معرض آلایندهای بسیاری قرار می گیرد که سلامت "خود" را به خطرمی اندازد.

بنابراین انجام واکسیناسیون مرتب وبه موقع جهت گندزدایی وآلوده زدایی "خود" ضروری است.

واکسیناسیون "خود" بصورت دوره ای ودر پنج نوبت طی یک شبانه روز انجام می گیرد.

در نتیجه فرآیند واکسیناسیون "خود" ؛ عملکرد ذهنی – حرکتی فرد در ارتباط با "خود" وفرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، تعاملی و.....جامعه تحت پوشش (وسایر جوامع) را ترسیم نموده ؛ و او را در اجرای ان متعهد ومسئول می سازد .

فرآیند گندزدایی و آماده سازی و واکسیناسیون "خود" که منجر به رشد و تعالی "خود" و "خودیابی" و "انسان شدن" می گردد ؛ نماز نامیده می شود .

که خود نیزبه عنوان یک عامل گند زدا ؛ عملکرد ذهنی – حرکتی شخص را در ارتباط با فرهنگ های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تعاملی ، عقیدتی و... مورد نقد وبررسی مرتب ومداوم قرار داده و آن را جهت دهی و کنترل می نماید .

نکته قابل توجه ؛ تاکید بر اقامه نماز اول وقت می باشد ؛ که در نتیجه انجام آن صواب فوق العاده زیادی برای آن منظور گردیده است .

علت این امر گندزدایی وانجام واکسیناسیون بموقع ، ودر نتیجه تنظیم عملکرد ذهنی – حرکتی ؛(با توجه به اندازه گیری و ارزشیابی این عملکرد ؛ در فاصله زمانی بین نوبت فعلی و نوبت قبلی نماز) تا نوبت بعدی نماز می باشد .

عدم توجه به رعایت نظم در زمان نماز به معنی: بی اعتنایی به فرآیند گندزدایی و واکسیناسیون"خود" ؛ در عملکرد ذهنی – حرکتی؛ در کلیه ی سطوح اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،فرهنگی،تعاملی،عقیدتی و... بوده والگوهای رفتاری انسانی را دچار اختلال می سازد .

همانطورکه انجام واکسیناسیون مستلزم رعایت اصولی می باشد که در آن بر عاری بودن بدن از عوامل بیماریزای مرتبط تاکید گردیده است وعدم رعایت آن موجب تشدید بیماری و عواض دائم ویا مرگ می گردد ؛ در فرآیند واکسیناسیون "خود" (یعنی همان نماز) نیز اصول مرتبط می بایستی دقیقا رعایت گردد.

چه در غیر اینصورت ؛ بصورت یک عادت نامطلوب وحتی به جرأت می توان گفت: مخرب الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی در فرهنگ های اقتصادی،اجتماعی ،سیاسی،علمی،تعاملی،عقیدتی و... تبدیل خواهد گردید.

ه: لباس

لباس در فرهنگ لغات به معنای پوششی می باشد که انسان را در مقابل عوامل نامساعد جوی (زیست محیطی) محافظت می نماید.

پوشش نمازگزار می بایستی :

اولا غصبی نباشد.

ثانیا الوده و نجس نباشد.

پوشش را می توان بر دو قسم برونی و درونی طبقه بندی نمود، که بصورت زیرآنرا مورد نقد و بررسی قرار می دهیم:

لباس ویا پوشش برونی؛ انسان را در مقابل شرایط جوی محیط ویا عوامل طبیعی زیست محیطی محافظت نموده وموجب حفظ ، مقاومت وارتقاءسطح سلامت فرد در مقابل عومل نامساعد می گردد.

شرایط جوی را می توان بصورت زیر ذکر نمود :

گرما – سرما – فشارهوا – رطوبت نسبی – تشعشعات و نور و.......

لباس وپوشش برونی می بایستی دو شرط مهم و حیاتی فوق الذکر " یعنی غصبی نبودن و آلوده و نجس نبودن "را داشته با شد تا بتوان از آن در اقامه نماز استفاده نمود.

لباس و یا پوشش درونی؛ در حقیقت عملکرد ذهنی – حرکتی فرد در فرهنگ اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و.....بر اساس اصول انسانی والهی ؛ وسرپوش گذاری وپوشش تمایلات فردی است.

همانگونه که عدم استفاده از پوشش مناسب موجب بروز اختلالات جسمانی وبیماریهای مختلفی گردیده ، وسلامت فردی را به خطر می اندازد ؛عدم استفاده از پوشش درونی نیز موجب ایجاد اختلالات عملکردی فردی در ارتباط با خود ومحیط اجتماعی،اقتصادی،سیاسی،فرهنگی،عقیدتی و.... گردیده وناهنجاریهای اقتصادی،سیاسی،فرهنگی،عقیدتی و.....را موجب گردیده ؛ وتعادل تعاملات مرتبط را بر هم زده ، ونا پایداری و اضمحلال فرهنگ های مرتبط را بدنبال خواهد داشت. . اکنون در ارتباط با پوشش (لباس) چند سئوال مطرح می گردد :

-آیا می توان در فصول گرم ویا محیط های گرم از پالتو و لباس گرم استفاده نمود ؟

-آیا می توان در فصول سرد از پوشش تابستانی استفاده نمود ؟

-آیا می توان از پوست گرگ ، خر، شیر ، سگ ، روباه ، الاغ وپوست حیوانات نجس العین...به عنوان پوشش و لباس استفاده نمود؟

-آیا می توان در پرتو نام انسان پوشش گرگی داشته ودرنده خوئی و دیگر کشی را در خود تقویت نمود ؟

-آیا می توان در فرهنگ اقتصادی و فعالیت های مرتبط ؛همانند گرگ بدون توجه به حقوق دیگران نسبت به کسب درآمدهای نامشروع اقدام نموده وسبب به خطر انداختن سلامت اقتصادی ودر نتیجه مرگ اقتصادی اکثریت قریب به اتفاق جامعه گردید؟

-آیا زدوبندهای اقتصادی جهت نیل به اهداف ؛ پوشش گرگی نیست ؟

-آیا زدوبندهای سیاسی جهت رسیدن به هدف ، بدون توجه به خواست و تمایل دیگر انسانها ، لباس و پوشش گرگی ویا خرسی نیست؟

-آیا می توان جهت تثبیت یک فرهنگ عقیدتی خاص ، از فشار و تهدید استفاده نموده ورابطه تعاملی را کنار گذاشت ؟ وآیا استفاده از این فرآیند لباس ویا پوشش گرگی ، خرسی ، سگی و...نیست؟

-و آیا...؟

با تامل بر پرسش های فوق ، و پرسش های دیگر ذهنی مرتبط با لباس وپوشش ؛ می توان نتیجه گرفت که :

لباس وپوشش نمازگزار چه اثرات تربیتی روی عملکرد ذهنی-حرکتی فردی واجتماعی ؛ در کلیه سطوح اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و...می تواند داشته باشد ؛ ودرجهت گندزدایی فردی واجتماعی ، و در نتیجه اصلاح ساختاری موارد مرتبط گام بردارد .

مطمئنا بدون توجه به موارد مرتبط با لباس نمازگزار؛ زمینه برقراری ارتباط با خالق را نمی توان فعال نموده ؛ و عقد عهدنامه فی مابین انسان و خالق (نماز) حیله ی روبهانه ای بیش نمی باشد.

ترویج این فرآیند سهوا" ویا عمدا" جامعه را به سمت دورویی ، چند شخصیتی شدن ، روبه صفتی و.... هدایت نموده واسیب پذیری آن را افزایش داده ؛ و زوال ونابودی تعاملات مطلوب ، با شئونات انسانی ؛ در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و....را بدنبال خواهد داشت.

چنین فرهنگی که با پوشش غیر انسانی تشکیل گردیده است در مقابل دگر فرهنگ ها ؛ محکوم به زوال و نابودی است .

بنابراین لباس وپوشش درونی که اهمیت فوق العاده بیشتری در شکل دهی شخصیتی ،و در زندگی فردی ،اجتماعی،اقتصادی ،سیاسی،فرهنگی،عقیدتی،و...دارد نیز می بایستی دو شرط مهم و حیاتی فوق الذکر " یعنی غصبی نبودن و الوده و نجس نبودن "را داشته با شد تا بتوان از آن در اقامه نماز استفاده نمود.

اذان

اشاره

اذان در حقیقت اجازه و یا درخواست برقراری ارتباط می باشد .

مطمئنا" این مرحله پس از آماده سازی در فرآیند تطهیر وگندزدایی صورت می پذیرد.

بررسی مفاهیم موجود در اذان نیزمبین بخشی از فرآیند گندزدائی فردی ودر نهایت اجتماعی در کلیه سطوح اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،تعاملی، فرهنگی،عقیدتی،و... است.

اکنون ذیلا" به بررسی مفاهیم تشکیل دهنده اذان می پردازیم:

الله اکبر (۴)

الله اکبر (۴)

بیان و توصیف این مفهوم درگوینده ؛ موجب ایجاد و تقویت مفهوم "خود" گردیده و خودباوری ، خود عاملی ، خود فاعلی را در انسان فعال نموده ؛ ومولد بودن و پویایی در فرآیند زندگی را در فرد و اجتماع ایجاد ؛ و درونی می سازد.

توکل بر خالق ودرونی کردن صفت اکبر بودن (بزرگ بودن) ان ؛ موجب می گردد که انسان خود را وابسته بی چون وچرای د یگران نپندارد ؛ وخود مسیرحرکتی مناسب زند گی خویش را در کلیه سطوح اقتصادی،اجتماعی،سیاسی ،عقیدتی و...تعیین نموده ؛ و در این راستا حرکت نماید.

او دیگر خود را عبد وبنده و وابسته مطلق دیگر همنوعان نمی پندارد ؛ و با برقراری ارتباط تعاملی عادلانه نسبت به تبیین قوانین و مقررات مرتبط با زند گی اقدام نموده ؛ ودر این راستا حرکت می نماید.

توکل بر خدا و درونی کردن صفت فرایند "اکبرشدن" موجب می گردد تا :

-از تفکر نهراسیم.

-جرأت دانستن داشته باشیم.

-شهامت تحمل افکار و عقاید مخالف را داشته باشیم.

-به پرسش بیش از پاسخ بیندیشیم.

-تیزبین و تیزشنو باشیم.

-به روابط بین پدیده ها دقیق باشیم.

-کتاب بسیار بزرگ و پرارزش طبیعت را با دقت و حوصله مطالعه کنیم ودریابیم.

-در کتاب بسیار مهم ومتحرک یعنی وجود آدمی بیشتر و عمیق تر مطالعه کنیم.

-تقلید توام باتفکروارزشیابی وانتخاب را جایگزین تقلید بدون تفکر نماییم.

-طراح وحلال مسایل باشیم و از حل المسائل کمتر استفاده کنیم.

-اندیشیدن درباره مسائل تربیتی جامعه را واجب عینی همگان بدانیم.

–این حقیقت را همیشه در نظر داشته باشیم که حل هر مسئله تربیتی مستلزم شناخت تحلیلی وتعلیلی آن است. یعنی باید دانست آن مسئله از چه عناصر و عواملی ترکیب یافته است ؛ و کدامیک از آنها موجب مسئله شدن بوده اند.

–به مسائل تربیتی موجود جامعه بیش از مسائل تربیتی گذشته بیندیشیم .(باتوجه به این نکته مهم که هر مسئله تربیتی برای خود تاریخ دارد.)

–نسبت به مسائل مرتبط با فرهنگ جامعه حساس ، فعال و خلاق باشیم.

–از شیوه های استدلالی در طرح و حل مسائل فرهنگی استفاده کنیم ونه از پس دادن محفوظات.

سوال : آیا القاء یک جانبه یکی از عناصر یک فرهنگ خاص ؛ و بدون در نظر گرفتن حق فرآیند" دریافت ، ادراک ، ارزشیابی و انتخاب" ؛ که موجب آسیب های روحی و به عبارتی روح زخم خورده و شکسته می شود ؛ می تواند در مسیر اکبر شدن (توحید) تلقی گردد؟

سوال:و آیا این خود سبب اضطراب های وجودی ، درون گرایی شدید ، مردم گریزی افراطی و .... نمی شود؟

سوال : آیا در فرآیند دیدن رنگها ، و فهمیدن برخی حرفها ؛ نگریستن کفایت می کند؟

سوال :و آیا نمی بایستی از آنجایی که ساکن هستیم برخیزیم ؟

و چند گامی به اطراف حرکت کنیم؟

و به فرآیند دیدن توام با تفکر (قیاس بین رنگها ، قیاس بین حرفها ، قیاس بین عقاید و عملکردها ، قیاس بین حقیقت ها و واقعیت ها و....) و شنیدن توام با تفکر اقدام نماییم؟

واین دریافتهای رنگی رادر کنار هم قرارداده ؛و یک تصویر زیبا و منظره بهارگونه ای را؛ جهت تعیین الگوی "ذهنی – حرکتی" ؛ (و یا بعبارت دیگر "فرهنگ عملکردی")" خود"؛ در کلیه شئونات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، علمی ،عقیدتی و.... ترسیم نموده ؟

و نسبت به ارائه آن بصورت منطقی و "تعاملی تعادلی" در جامعه تحت پوشش اقدام نمود؟

وآیا سکون و سکوت دریک فرهنگ خاص جایز است؟

و آیا این امر موجب پایداری و اعتلای فرهنگ می گردد؟

ویا عکس آن اتفاق افتاده ؛ و اضمحلال فرهنگ راکد و ساکن وبدور از ارتباطا ت تعاملی بادگر فرهنگ ها را منجر می

گردد؟

مطمئنا" فرهنگ گریزی و مردم گریزی افراطی،(خصوصا" در فرهنگ عقیـدتی) از عوارض ناخوشاینـد بی توجهی به رنگ ها و نفهمیدن برخی از حرفهای محیط های اجتماعی – فرهنگی می باشد.

برقراری ارتباط موثر:

برقراری ارتباط موثر با فرهنگ های موجود جوامع انسانی خود بعنوان یک عامل اساسی و سازنده در مسیر تبیین مفهوم الله اکبر است.

از جمله مهمترین عناصر و یاعوامل تاثیر گذار در برقراری ارتباط موثر را می توان عناصر زیر دانست:

۱-ایجاد زبان مشترک:

تولید نیاز به طراحی،نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده، مواد اولیه ،دستگاه، ابزارکاری ،فضای فیزیکی و...دارد .

جهت تولید فرهنگ نیز نیاز به شناسایی محیط اطراف ؛ وعملکردهای ذهنی- حرکتی موجود در جوامع مختلف انسانی در روی کره خاکی؛ و در نتیجه جمع آوری آنها بعنوان ابزار وعناصر اولیه می باشد که از آن در ساختن بنایی محکم و استوار و پایدار استفاده نموده؛ به نحوی که فرهنگ تولیدی جدید بتواند در مقابل تهاجمات دگر فرهنگ ها مقاومت نموده و مورد قبول جامعه انسانی قرار گیرد.

حرکت در این فرآیند بدون ایجاد زبان مشترک امکان پذیر نمی باشد.

زبان مشترک هنگامی ایجاد می گردد که :عقاید،افکار ،اندیشه،و...طرفین مورد احترام متقابل قرار گرفته؛ و ارتباط تعاملی تعادلی بر قرار گردد.در غیر اینصورت یعنی با برقراری ارتباط یکطرفه نمی توان انتظار پیوند و برقراری زبان مشترک را داشت.

۲-نگاه لازم:

در برقراری ارتباط موثر این عنصریکی از مهمترین عناصر مداخله گر در ارتباط موثر محسوب می گردد. دیدگاه که همان نگاه می باشد ؛ حاکی از درونی شده های فرهنگ "خود" بوده ؛ که می تواند با عملکرد خداگونه ؛ و در جهت اکبر شدن ؛ در مسیر برقراری ارتباط موثر (تعاملی تعادلی) با دگر فرهنگ های موجود در محیط های اجتماعی ،اقتصادی،سیاسی،علمی،عقیدتی و...تحت پوشش خود ؛ ویا جوامع دیگر بشری گام بردارد.

هر چقدر درونی شده های نشأت گرفته از"فرآیند دریافت ، ارزشیابی ،انتخاب، پذیرش و درونی نمودن یک مفهوم" ویا بطور کلی تر یک فرهنگ ؛ آزادانه تر ، تعاملی تر، مستدل تر،و...باشد ؛درونی شده ها ؛ قوی تر . و نگاه لازم ؛ خدای گونه تر بوده ؛ و فرد را در مسیر حرکتی "اکبر شدن" و "خدای گونه شدن" قرار می دهد.

خود محوری و استبداد و فشار و تهدید؛ نه تنها در مسیر "اکبرشدن"نیست؛ بلکه دقیقا"در نقطه مقابل آن؛ یعنی ضعف و

سستی در فرهنگ درونی شده و خشونت و درندگی در فرآیند ارائه و اشاعه ی آن فرهنگ می باشد.و این نگاه و یا دید گاه؛ نگاه و دیدگاه پست و طرد شده در جوامع انسانی، خصوصا" با دیدگاه الهی و ویژگی های انسانی می باشد.با این دیدگاه و نگاه نمی توان ارتباط موثر بر قرار

کرد . در صورت برقراری ارتباط؛ ارتباط یکطرفه و غیر موثر و ناپایدار می باشد. و این یعنی فرآیند سقوط و نه ارتقاء ؛ ویا بعبارت دیگر؛ حرکت نزولی و نه صعودی می باشد.

۳-ابزارهای خوب:

تولید؛ نیازمند وجود ابزار می باشد. بعبارت دیگر بدون ابزار مناسب ونیروی انسانی متخصص و وارد ؛ تولید معنایی ندارد.ابزار مورد نیاز می بایستی متناسب با تولید بوده و مقاومت لازمه را برای استفاده داشته باشد.

-آیا می توان از پیچ گوشتی چهار سو در پیچاندن پیچ دو سو استفاده کرد؟

- آیا می توان از پیچ گوشتی که برای محکم کردن پیچ عینک استفاده می گردد در باز و بسته کردن پیچ های موتور تریلی و کامیون و سواری و موتور سیکلت و دوچرخه استفاده کرد.

- آیا می توان از جرثقیل درفرآیند برداشت محصولات کشاورزی از مزارع استفاذه کرد.

-آیا با چاقوی جراحی می توان در برداشت گندم از مزارع گندم استفاده کرد.و

-آیا با داس که در کشاورزی در برداشت گندم مورد استفاده قرار می گیرد ؛می توان جراحی قلب باز کرد.

-و آیاهای دیگر...

در ارتباط موثر هم ؛ ابزار مناسب مورد نیاز می باشد؛ تا بتوان از آن در ارائه و انتقال اندیشه ،ارائه و انتقال فرهنگ و دانش و عملکرد استفاده کرد.

استفاده از ابزارهای خوب نظیر گوش دادن،تبسم داشتن،عشق ورزیدن و...در برقراری ارتباط موثر جایگاه ویژه ای دارد .چه اگر از ابزارهای نامناسب (نظیر "متکلم وعده شدن"،"من من کردن" و تحکم و فشار وتهدید وارعاب و...)که جایگاهی در مسیر اکبر شدن ندارند؛ استفاده گردد؛ نه تنها موجبات برقراری ارتباط موثر را فراهم نمی سازند؛ بلکه موجب دلزدگی مخاطب، وفرار از فرهنگ تولیدی گردیده وافزایش اشتیاق به دریافت دگر فرهنگ های ارائه شده از طریق شبکه های وسیع اطلاعاتی ماهواره ای و اجتماعی و...را گردد.

۴-احساس نیاز:

جهت عینیت بخشیدن به این عنصر اساسی در فرد و جامعه و در راستای ارائه و اشاعه و تحکیم فرهنگ ؛ضروری است از سایر عناصر و یا ویژگی های و خصوصیات انسانی به عنوان محرک های قوی استفاده نمود.بعنوان مثال:

-امیـد : تقویت بعـد عاطفی زمان در انسان که در حقیقت همان امیـد می باشـد به عنوان یک عامل قوی در پیدایش این حس (احساس نیاز) محسوب می گردد.

امیـد به تغییر ،امیـد به رشـدو تعالی ،امیـد به زنـدگی بهتر ،امید به اینده ،امید به حرکت در راسـتای برقراری عدالت اقتصادی ، امید به حرکت در راستای برقراری عدالت سیاسی ، امید به حرکت در راستای برقراری عدالت اجتماعی ، امید به حرکت در

راستای برقراری عدالت فرهنگی و عقیدتی ، امید به حرکت در راستای برقراری عدالت تعاملی ، امید به حرکت در راستای برقراری عدالت صوتی و تصویری ،و.....هر یک به تنهایی ویا به طور مشترک و هماهنگ می توانند به عنوان یک منشا موثر و قوی در فعال شدن احساس نیاز در آحاد جامعه تلقی گردند.

برقراری ارتباط موثر بدون توجه به احساس نیاز طرف مقابل یک فرایند باطلی است .

-صداقت در گفتار و عمل : احساس نیاز زمانی حاصل می گردد که :

اولا"صداقت در گفتار و عمل ارائه دهنده ی فرهنگ ملموس و مشهود بوده ؛ و موجب جلب اعتماد گردیده ؛ و

ثانیا"همسطح شدن خود را با ارائه دهنده ی فرهنگ در مسیر هم فکری و احترام متقابل تشخیص دهد.(شناخت فردی و گروهی از جمله ابزارهای اولیه در این مسیر محسوب می گردد.)

۵-خوشرویی ،صبروتحمل،عدم قضاوت زود هنگام،گذاشتن وقت کافی ،انعطاف پذیری واستفاده از بازخورد برای ادامه ارتباط و...از جمله مهمترین ابزار مستحکم در ساختار برقراری ارتباط موثر می باشند.

شناخت طبیعت و فلسفه وجودی عناصر تشکیل دهنده آن ؛ و نیز ارتباطات تنگاتنگ میان این اجزاء ،

شناسایی محیط های اجتماعی با عنایت به بررسی تاریخی جوامع مختلف ، و

ارزشیابی عملکرد های ذهنی حرکتی (فرهنگ)هر یک از این جوامع ، و

تعیین نقاط قوت و ضعف هر کدام ، و

در نتیجه تجمیع نقاط قوت در یک مجموعه جدید ، و

تشکیل فرهنگ جدید و پویا ،

از جمله نیازهای فطری انسان محسوب شده که می بایستی توسط :

عالمان ، استادان ، برنامه چینان ، مصاحبه سازان ، مجله داران و صدا سازان و تصویر برداران و....مورد توجه قرار گیرد؛

به نحوی که قالب های برنامه ای خود را متناسب با این ویژگی ها و نیازها ، طراحی و تنظیم نمایند ؛

و نه به صورت قالبهای کلیشه ای و از پیش تعیین شده.

طبیعت که خود بعنوان اصلی ترین عامل حیات در کره خاکی محسوب می گردد؛ خود از نظم خاصی تبعیت می کند .

چرخش کره زمین بدور خورشید در فاصله زمانی یکساله ، و پیدایش فصول چهارگانه بهار و تابستان و پاییز و زمستان ؛ منشاء تجدید حیات نباتی یا گیاهی و در نتیجه بهره رسانی به حیوانات و جانوران و انسان و.... جهت شروع ویا ادامه حیاتشان می گردد .

حرکت وضعی زمین بدور خود و پیدایش شب و روز نیز در همین راستا می باشد.

اگر کره زمین حرکات وضعی یا انتقالی خود را تبدیل به سکون و ایستایی نماید؛ علاوه بر اینکه کل موجودات زنده موجود در خود را نابود می سازد ؛ موجب نابودی خود نیز می شود.

این موضوع در مورد تک تک سیارات منظومه شمسی ؛ همچنین کل مجموعه تشکیل دهنده منظومه شمسی ؛ ستارگان دیگر موجود درکهکشان راه شیری ؛همچنین کل مجموعه کهکشان راه شیری ؛

تک تک کهکشانهای دیگر؛ و در نهایت کل جهان هستی :

تماما" هم به شکل مستقل ؛ و هم بصورت دستجمعی ؛ در حال حرکت سازنده می باشند ؛

به نحوی که ضمن تبعیت از یک نظم خاص و قوانین حاکم بر آن :

هم آزادی عمل خود را در حرکت در یک محدوده عملیاتی مشخص حفظ نموده ؛

و هم ارتباطات تعاملی تعادلی در حرکت را.

در این فرآیند حرکت کننده نه تنها مانع آزادی حرکت دیگران نشده ؛ بلکه در جهت ثبات حرکتی آنان نیز گام برداشته ؛ و حکم یاری دهنده را دارا می باشند.

جالب اینجاست که کوچکترین جزء تشکیل دهنده جهان هستی که اتم نامیده می شود نیز همین وضعیت را دارد. یعنی هم اجزاء تشکیل دهنده خودش ؛ و هم خود در ارتباط با سایر اتم های هم جنس ویا غیر هم جنس ؛ بصورت تعاملی تعادلی ؛ دائما" در حال حرکت و تبدیل شدن بوده؛ ودارای فعالیت فردی و گروهی عدالت محور در یک نظم خاص می باشند ؛ تا بتوانند هم خود را ارتقاء بخشیده و به حیات خود ادامه دهند؛ وهم با تغییراتی که در خود ودیگر اتم ها بوجود می آورند نسبت به تولیدات جدید و مدرن اقدام نمایند.

حرکت در اتم نیز همانند سیارات در اطراف ستاره خود هم بصورت وضعی وهم بصورت انتقالی صورت می پذیرد.این حرکات عمدتا" در الکترونهای اطراف هسته مشهود می باشد.

بده بستانهای بین اتمها که یا بصورت اشتراکی دو طرفه یا اشتراکی یک جانبه و یا تبادل کامل الکترون صورت می پذیرد صورت می پذیرد؛ به نحوی است که هم موجودیت خود را حفظ و پایدارتر نماید وهم موجب بقاء و پایداری اتم یا اتم های دیگر گردد.

تعداد این اشتراکها ویا تبادلات الکترونی میان دو اتم بین یک تا حداکثر سه الکترون می باشد.

طبیعی است هر چقدر قدرت دهندگی ویا گیرندگی الکترون در اتم زیادتر باشد پیوند میان دو اتم قوی تر و جداشدنشان نیاز به انرژی بیشتری دارد.

بنابراین با تامل در عملکرد اجزاء طبیعت می توان دریافت که سکون و سکوت و درجا زدن جز فنا و نابودی چیزی بدنبال نداشته و این حرکت و تعاملات و تبادلات عادلانه و منطقی است که موجب ادامه حیات و ارتقاء اجزاء طبیعت می گردد.

انسان نیز برای دیدن برخی رنگها و شنیدن برخی حرفها و فهمیدن آنان علاوه بر نگریستن و اندیشیدن باید از جایی که هست و محل سکونت خود قرار داده است بر خیزد و با دگر فرهنگهای محیط های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عقیدتی و....اشنایی پیدا نموده و نسبت به طبقه بندی و ارزشیابی عناصر کلیدی تشکیل دهنده هر یک اقدام؛ و فرهنگ خویش را متناسب با نیازهای فطری انسانی تعدیل و در صورت نیاز تغییر داده و یا نسبت به تحکیم فرهنگ فعلی خود (در صورت تایید درونی) و اشاعه آن اقدام نماید.

مطمئنا" فرهنگ موجود خود نیز تحت تاثیر بررسی های صورت گرفته ی دگر فرهنگ ها قرار گرفته و بصورت پویا هم تاثیرگذار در محیط بوده و هم خود تغییر پیدا می نماید.

در چنین فرهنگی است که جزء جزء تشکیل دهندگان جامعه همانند تشنگانی که بدنبال سرچشمه آب جهت سیراب شدن می

گردند خود بدنبال تحکیم ، اعتلا و

ص: ۳۳

ارتقای فرهنگ درونی و برونی گشته و بدون اینکه عامل ترس از عدم پایبندی وتنبیهات ناشی از آن بعنوان فاکتور موثر در پایبندی نسبت به فرهنگ موجود تلقی گردد؛ خود (یا بعبارت دقیقتر جزء جزء افراد جامعه) بعنوان مدافع فرهنگ و ارتقاء دهنده و اشاعه دهنده ان محسوب می گردند. و نتیجتا" یک جامعه مولد و توحیدی و بدور از فشارهای القایی ناشی از به اصطلاح تهاجم فرهنگی نشئت گرفته از وسایل ارتباط جمعی دگر فرهنگها خواهیم داشت.

مطمئنا" سنجش و پالایش موجب تقویت نیروی ارادت و کشش ایمان گشته ؛ و سرسپردگی فرهنگ تولیدی خود را بیش از گذشته موجب گردد.

چند سوال مرتبط:

-آیا ایستایی و عدم تحرک ؛ موجب خودباوری است ؟

-آیا عدم توجه به دگر فرهنگها و عدم ارائه و ارزشیابی آنان ؛ در مسیر اکبر شدن می باشد ؟

-آیا عدم ارائه حقیقت فرهنگ های موجود ؛ در مسیر تایید الله اکبر می باشد؟

-آیا ترس از تفکر ؛ موجب موجب پایداری فرهنگ موجود می گردد؟

-آیا حرکت به هر سو و هر جهت بدون توجه به محیط های اجتماعی،اقتصادی ،سیاسی،علمی،عقیدتی،تعاملی و....موجود ؛ می تواند موجب پایداری و رشد فرهنگ گردد؟

-آیا بده بستانهای غیر متعارف در عناصر تشکیل دهنده یک فرهنگ ؛ می تواند موجب پویایی و رشد آن فرهنگ گردد؟

-آیا زیاده خواهی وتعصب ؛ موجب پویایی یک فرهنگ می گردد؟

-و آیا های دیگر...؟

ص: ۳۴

اشهد ان لااله الا الله (۲)

اشهد ان لااله الا الله (۲)

(گواهی می دهم که بجز خدای یکتا خدایی نیست.)

توحید ویکتا پرستی بعنوان اولین رکن و مهمترین مفهوم از اصول دین می باشد . یکتاپرستی انسان را از وابستگی های مطلق

به علا یق کاذب باز داشته و تعدیل و عدالت در انجام امور را در او فعال می سازد.

یکتاپرستی انسان را پویا بار آورده ؛ به نحوی که انسان همواره می خواهد تازگی هایی در زندگی شخصی خود ، و یا اجتماع ، ویا هردو بوجود آورد.ودائما"می کوشد هر روز بهتر ازروزقبل بیندیشد،فعالیت کند،بازده داشته باشد،خلاق و مبتکر بوده ودرزندگی احساس مسئولیت کند و خود را به مردم مدیون بداند.(حساس،فعال،وخلاق).

انسان موحد انسانی است که "خود"را شناخته و به مرحله خودشناسی رسیده و در نتیجه تکالیف و وظایف خود را در رستای رسیدن به خالق انجام می دهد .

انسان موحد انسانی است که:

۱-نفرت از تملق و چاپلوسی (جهت رسیدن به اهداف) داشته واز صراحت لهجه برخوردار می باشد.

۲-ازهرگونه دروغگویی ودروغپردازی بیزاری می جوید.

۳-دارای شخصیتی باثبات بوده ؛ و ابن الوقت نمی باشد.

۴-مشتاق تفکر خلاق وتعلیل(علت یابی)بوده ؛ واز آن واهمه ای به خود راه نمی دهد.

۵-انتقادگر بوده و روحیه انتقاد از خود ، قبل از انتقاد از دیگران ، را پیشه راه خود قرار داده ؛ و ترسی از انتقاد (چه در رابطه با خود و چه دررابطه بادیگران، ویا دیگران از خود) را به دل راه نمی دهد.

۶-بدون اینکه ترسی از ابتکار و خلاقیت داشته باشد ؛ شجاعانه در مسیر تحول ونوآوری گام بر می دارد.

۷-ازیکنواختی نفرت داشته ، وبدون اینکه از تغییر ترسی داشته باشد بطور مداوم دراین مسیر(تغییر) گام بر می دارد.

این تغییر هم درونی ، و هم برونی ، ویا محیطی(محیط فیزیکی،اقتصادی،اجتماعی،سیاسی،فرهنگی و عقیدتی) است.

۸-از هرگونه زندگی طفیلی مانند ، ونیازمند بودن ، و وابسته بودن ، وبطور کلی انگلی زیستن نفرت دارد.

۹-رغبت فزاینده به کارو کوشش داشته واز خود در این زمینه بی میلی نشان نداده و کاهلی وسستی به خرج نمی دهد.

۱۰-فعالیت هایی که انجام می دهد به سبب انگیزش درونی است و نه تحریک ویا فشار برونی.

۱۱-بر خوردار از اعتقاد واعتماد به نفس لازم می باشد.

۱۲-خود را کم ارزش ویا بی ارزش نپنداشته وخود را ارزشمند می پندارند.

۱۳-مدام تجارب واطلاعات خود را ارتقاء بخشیده و آنها را ثابت نگه نمی دارد،و برای ثابت نگه داشتن اطلاعات دریافت شده و ارزشیابی شده و درونی شده اعتباری قائل نیست.

۱۴-به زمان ارزش حیاتی داده و ارزش آن را با مادیات مقایسه نمی کند.

۱۵-بدون اینکه به انتظار پیدایش امکانات نشستن باشد ، تلاش بی وقفه در جهت تامین امکانات تامین کننده نیازها را از خود نشان می دهد.

۱۶- یاس و نوامیدی در او راهی نداشته و پیوسته امیدوار می باشد.

۱۷- بدون ترس دائما" خود را ارزیابی می کند.

انسان- بدین معنا- دیگر آلت دست یا ابزار بی اختیار در محیط نیست بلکه فردی است که:

می اندیشد،

مقایسه می کند،

می سنجد ویا ارزیابی می کند،

برمی گزیند،

تصمیم می گیرد،

اقدام می کند،

می تواند "نه"بگوید،

مسئولیت اقدام های خود را بعهده می گیرد زیرا آزاد است و میداند که آزادی هنگامی امکان دارد که همگان مسئولیت بپذیرند،

پاداش و کیفر برقرار می کند،

پیوسته برای پیشرفت و تکامل ارزشی می کوشد،

آنچه را از محیط سودمند می بیند ؛ می پذیرد و آنچه را نامطلوب می پندارد ؛ تغییرش می دهد.

تربیت را یک امر ضروری همگانی و دائمی می داند ؛ وبرای بهتر و گسترده تر آن تلاش می کند و برای این منظور از هیچ گونه سرمایه گذاری کوتاهی نمی کند .

اذن (اجازه) برقراری ارتباط زمانی میسر است که فرد با فرهنگ طرف مقابل آشنایی داشته ؛ و تا حد امکان خود را با آن تطبیق داده باشد.

آیا بدون توجه به مفاهیم فوق ، وهمچنین سوالات زیر می توان مدعی اعتقاد و پذیرش مفهوم اشهد ان لا اله الا الله بوده ؛ و خواهان برقراری ارتباط با خالق شد؟

و آیا عدم رعایت موازین مرتبط ؛ اذن (ویا اذان)جایگاهی در برقراری ارتباط با خالق دارد؟

و آیا این یک فرایند منافق گونه نیست؟

وموجب تردید و سرخورگی در پذ یرش فرهنگ اصیل اذان نمی گردد؟

-آیا بت پرست می تواند موحد تلقی گردد؟

-آیا دیگرپرستی بت پرست نیست ؟

-آیا مال پرستی بت پرستی نیست ؟

-آیا کسب درآمد به هر شیوه ممکن و یا کسب آن از طریق زدوبندهای اقتصادی ؛ مال پرستی نیست؟

-آیا مقام پرستی بت پرستی نیست ؟

-آیا زدوبندهای سیاسی ؛ جهت احراز پستهای مدیریتی ؛ مقام پرستی نیست ؟

-آیا وابستگی مطلق به یک فرهنگ خاص ؛ بدون توجه به دیگر فرهنگ ها ، و رابطه تعاملی بین آنان ؛ بت پرستی نیست ؟

-آیا ایستائی و عدم حرکت درفرایند زندگی ، و منتظر معجزه نشستن ، و دعا و نیایش بدون حرکت سازنده ؛ بت پرستی نیست؟ -آیا خودپرستی و اعمال ظلم و ستم ؛ ودر نتیجه تضیع حقوق حقه ، شرعی وقانونی دیگر انسانها ؛ و محروم نمودن آنان از زندگی حقیقی ؛ بت پرستی نیست ؟

-آیا با داشتن پوشش گرگی،سگی،خرسی،روباهی و.....می توان مدعی موحدبودن شد؟

-و بسیاری آیاهای دیگر....

.مطمئنا":

-انسان موحد: بت پرست نیست.

-انسان موحد: دیگر پرست نیست.

-انسان موحد: مال پرست نیست.

-انسان موحد: مقام پرست نیست.

-انسان موحد: وابسته ی مطلق و بی چون چرا نیست.

-انسان موحد: ایستا و مصرف کننده نیست.

-انسان موحد: انگل نیست.

-انسان موحد: مخرب نیست.

-انسان موحد: ظالم نیست.

-انسان موحد: قاتل نیست.

-انسان موحد: آلوده کننده زیست محیط نیست.

-انسان موحد: مخرب فرهنگ اقتصادی مطلوب فردی واجتماعی نیست.

-انسان موحد: آلوده کننده ومخرب فرهنگ سیاسی و مدیریتی جامعه نیست.

-انسان موحد: مخرب فرهنگ اعتقادی نشأت گرفته از فرآیند " دریافت ، ادراک ، ارزشیابی وانتخاب " نیست .

و.....

-انسان موحد: مولد است.

-انسان موحد: خلاق است.

-انسان موحد: پویا است.

-انسان موحد: در راستای سازندگی گام بر می دارد.

-انسان موحد: در مدیریت فردی واجتماعی ؛ اصل را بر "عدالت" و "خدا محوری" قرار می دهد.

-انسان موحد: درمدیریت اقتصادی ؛"عدالت اقتصادی " را محور و اساس فعالیت های اقتصادی خود دانسته ؛ و برای این فرایند ؛ محدوده حرکتی تعیین شده از جانب خالق را؛ دقیقا" بصورت عملکرد "ذهنی – حرکتی" عینیت می بخشد. و...

-انسان موحد: در امور سیاسی؛ اصل را بر"تعامل" گذاشته ؛ و تقابل وتهاجم،تخریب و ترور شخصیتی را مطرود می پندارد.

-انسان موحد: در امور مدیریتی اصل را در"شایسته سالاری" دانسته واز زدوبندها و اعمال سلیقه های شخصی در انتخاب مدیران خودداری می نماید.

بنابراین : انسان با ذکر مفهوم اشهد ان لا اله الا الله(۲) در اذان :

عملکرد "ذهنی – حرکتی" خودرا متناسب با داده های فوق گندزدائی نموده؛ وخود را آماده برقراری ارتباط با خالق هستی می نماید ؛

در غیر اینصورت عملکرد منافق گونه ای را پیشه راه خود نموده ؛ که مطمئنا" از کافر بودن وبت پرستی ؛ نامطلوبتر وبدتر می باشد.

با ارزیابی عملکرد ذهنی-حرکتی "خود" ؛ در درونی کردن و عملکردی کردن مفهوم فوق ؛ در زندگی فردی واجتماعی؛ و نیز اشاعه این مفهوم می توان دریافت که:

-آیا واقعا"خود وجامعه تحت پوشش، در راه موحد شدن گام بر داشته ایم یا خیر؟

- و آیا فرهنگ اقتصادی توحیدی ،فرهنگ اجتماعی توحیدی،فرهنگ سیاسی توحیدی ، فرهنگ تعاملی توحیدی و.... ایجاد نموده ایم یا خیر؟

مطمئنا" تکرار وتفهیم این مفهوم در اذان با این دیدگاه که " بدون هماهنگ شدن با فرهنگ حضرت حق اجازه ایجاد ارتباط داده نمی شود. " ؛ می تواند سبب رشد وتعالی جامعه ی انسانی گردیده وآن را از منجلاب نابودی نجات دهد.

اشهد ان محمدا" رسول الله (۲)

اشهد ان محمدا" رسول الله (۲)

(گواهی می دهم که محمد رسول و فرستاده ی خداست.)

نبوت : دومین رکن از ارکان اصول دین می باشد که شخص مسلمان و نمازگزار می بایستی آن را پذیرفته باشد.

پذیرش ویا قبول کردن این مفهوم ؛ بصورت الگوهای عملی "ذهنی – حرکتی" ؛ انسان را در مسیر توحید قرار می دهد.

مفهوم " محمد " باانتقال کلام "حق" ؛ و در نتیجه با "حق گویی" و "حق جویی" پیوند می خورد.

"حق" در حقیقت قرار گرفتن هر فرآیندی در جای خود می باشد.

-"حق" دستگاه گوارش : دریافت ، هضم وجذب غذا می باشد.

-"حق" دستگاه تنفسی : دریافت اکسیژن از هوا و ورود آن به دستگاه گردش خون جهت فرآیند متابولیسم سلولی (سوخت و ساز سلولی)، و نیز خروج گاز دی اکسید کربن دریافتی از خون و هدایت آن به خارج از بدن می باشد.

-"حق" دستگاه گردش خون : حمل و رساندن مواد غذائی هضم وجذب شده ، و اکسیژن دریافتی ؛ به تک تک سلول های بدن می باشد.

-"حق" گوش : شنیدن ،

- و "حق" چشم : دیدن ،

- و "حق" پا : راه رفتن ،

- و "حق" زبان: بیان کردن و انتقال فرهنگ می باشد.

- "حق" قلب : پمپاژ خون و ادامه حیات ،

- و "حق" مغز : دریافت ، ارزشیابی ، انتخاب ومدیریت و رهبری ونظارت در اجرای فرهنگ انتخابی توسط اندامها و دستگاه های بدن می باشد.

("حق" قلب :حرکت در جهت زیستن ؛

و"حق" مغز : چگونه زیستن و یا زندگی است.)

-"حق" گیاهان و حیوانات و بطور کلی سایر موجودات زنده غیراز انسان : زیست ، -و "حق" انسان : زندگی است.

"زندگی" به معنای "حیات و حرکت" می باشد.

"حیات و حرکت" حق تمامی انسان ها می باشد.

-"حیات و حرکت" : اندیشه ها،عقاید ، افکار ، دانش ها ، باورها و به طور کلی عملکرد ذهنی – حرکتی فرد در ارتباط با "خود" ومحیط اطراف خود ، و دیگر انسان ها می باشد.

"حیات و حرکت" : تطابق محیط با انسان می باشد ؛ نه انسان با محیط .

"حیات و حرکت" : اندیشه آزاد می باشد ؛ نه القای عقیده.

"حیات و حرکت" : آزادی بیان در انتقال اندیشه ؛ و اعمال فرآیند تعاملی در ان می باشد ؛ نه تکرار عقاید و اندیشه های دیگران بدون اعتقاد عملی به آن .

"حیات و حرکت" : انتخاب راه جهت ادامه زندگی توسط خود فرد می باشد ؛ نه تعیین راه توسط دیگران.

"حیات و حرکت" : دریافت،ارزشیابی ، انتخاب و عملکردی نمودن فرهنگ انتخابی است ؛ نه تحمیل فرهنگ .

"حیات و حرکت" : حق گویی است ؛ نه زورگویی.

"حیات و حرکت" : حق جویی است ؛ نه در انتظار اعمال حق نشستن توسط دیگران؛ و یا در انتظار معجزه نشستن.

"حیات و حرکت" : احترام به "حیات و حرکت" دیگران می باشد ؛ نه خود محور بودن صرف.

"حیات و حرکت" : مولد بودن است ؛ نه مصرف کننده ی صرف.

"حیات و حرکت" : خلاق بودن است ؛ نه ایستا بودن ، طفیلی و انگلی بودن.

"حیات و حرکت" : استقلال است ؛ نه وابسته بودن صرف.

"حیات و حرکت" : صیانت از اعتقادات ، ارزش ها ، اندیشه ها ؛ و درونی شده های ناشی از فرآیند "دریافت ، ادراک ، ارزشیابی و انتخاب" می باشد ؛ نه ابن الوقت بودن ؛ و معامله ی اعتقادات ، ارزش ها ، اندیشه ها ، ودرونی شده های خود با منافع مادی ، ویا موقعیت های شغلی ، منصبی ، سیاسی و....

"حیات و حرکت" : فعالیت در تعیین جایگاه و محل نشستن و موقعیت خود می باشد ؛ نه منتظر تعیین جایگاه و محل نشستن توسط دیگران.

"حیات و حرکت" : ...

اکنون که با مفهوم محمد (ص) آشنایی یافته ایم ؛ این پرسش مطرح می گردد که :

آیا بـدون در نظر گرفتن و عملکردی نمودن صـفات تعریف کننـده ی این مفهوم ؛ که همانا ارائه و اعمال مفهوم "حق" (حق گویی ، حق جویی ، حق طلبی) می باشـد؛ می توان مـدعی قبول نمودن نبوت بوده ؛ و بـا بیان "اشـهد ان محمـدا" رسول الله" اذن، ویا اجازه ی برقراری ارتباط با خالق را دریافت نمود؟ و

آیاعـدم توجه به آن ، و عـدم عملکردی نمودن آن در زنـد گی فردی ،اجتماعی،اقتصادی ، سیاسـی ، فرهنگی ، عقیدتی و... به معنای عدم قبول نبوده ؛ و بیان وتکرار آن ؛ به جز حرکت منافق گونه ؛ چیز دیگری می تواند محسوب گردد؟ و

آیا ترویج لقلقه ی زبان شدن این مفهوم ؛ به این شکل ؛ بعنوان سم مهلك و کشنده محسوب نمی گردد؟ و

آیا ارائه ، تفهیم و ترویج معنای واقعی این مفهوم ؛ بعنوان اصول زیربنایی واساسی زندگی محسوب نمی گردد؟

با بررسی صفات تعریف کننده ی کلر به عنوان یک عامل گندزدای برونی ؛ که موجب از بین بردن عوامل بیماریزای موجود در آب آشامیدنی می گردد ؛ و نیز تجزیه و تحلیل و تعلیل موارد مندرج در تبیین مفاهیم "الله اکبر" و "اشهد ان محمدا رسول الله" ؛ مشاهده می گردد که : ذکر و تکرار دو مفهوم فوق بعنوان دو عامل از عوامل گندزدای درونی موجود در نماز محسوب گردیده ؛ و موجب حذف دگر عوامل مزاحم که مخرب اصول انسانی در فرآیند های موجود در فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و....به حساب می آیند ؛ خواهد شد .

احتساب ثواب برای اذان و بطور کلی برای نماز دقیقا" تغییرات عملکردی ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی در کلیه سطوح اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ،عقیدتی و...ودر راستای تغییر واصلاح فرد و جامعه (صواب) ؛ در فرآیند رسیدن به الگوهای الهی است.

عدم تغییر به معنای بازیچه قرار دادن فرامین الهی بوده ، و فرآیند نماز فاقد بار ارزشی است.

اشهد ان علی" ولی الله و اشهد ان علی"حجت الله

اشهد ان علی" ولی الله

(گواهی می دهم که علی ولی خداست)

اشهد ان علی"حجت الله

(گواهی می دهم که علی حجت خداست)

عدل و امامت ؛ اصول مذهب می باشند .

در مذهب تشیع این دو، بعنوان اصول اعتقادی تلقی گردیده ؛ که بدون اعتقاد به آن تشیع معنایی پیدا نمی نماید.

مفهوم علِی ، با مفهوم عدالت و امامت پیوند می خورد.

درحقیقت علی ، عینیت یافته و الگوی عملی اصول مذهب می باشد.

اکنون جهت تبیین اصول مذهب ؛ ترسیم زیر را مورد بررسی قرار می دهیم:

عدل : عدل به معنای قرار گرفتن هر حقی در جای خود می باشد.

بنابراین :

حق دستگاه گوارش : انجام فرآیند هضم و جذب غذا ؛ و وتوزیع عادلانه آن به تک تک سلولهای بدن ، و تامین انرژی موردنیاز بدن،جهت ادامه ی زیست می باشد، که البته با دستور ونظارت مغز صورت می پذیرد (مدیریت مغز) .و

حق مغز: فرایند دریافت ، ادراک ، ارزشیابی و انتخاب فرهنگ های مناسب با ویژگیهای خود، جهت ارتقاء سطح سلامت جسمی ، روحی واجتماعی؛ و رسیدن به مرحله خودیابی ؛ که همانا " زندگی " نامیده می شود ؛ می باشد.

در حقیقت حق مغز: تفکر است ؛ وانتخاب شیوه ها و روشهای مناسب علمی، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و...جهت ادامه زندگی می باشد.

حق زبان :برقراری ارتباط تعاملی تعادلی ، با همنوعان خود بوده که در نتیجه آن، برقراری ارتباطات علمی و فرهنگی منجر به رشد و شکوفایی فرد و جامعه را سبب می گردد.

ظلم : جابجایی حق ها را ظلم نامند .

به عنوان مثال :

دستگاه گوارش فرآیند تفکر ؛ و مغز عملکرد گوارشی داشته باشد.

اکنون جهت روشن شدن مفهوم ظلم ؛ چند پرسش را بعنوان نمونه جهت تجزیه و تحلیل وتعلیل مطرح می نماییم :

-آیا انتظار عملکرد گوارشی از مغز عدالت است؟

-آیا انجام فرآیند تفکر توسط دستگاه گوارش ظلم نیست ؟

-آیا انتظار درک مفاهیم علمی دانشگاهی، توسط دانش آموزاول دبستانی ظلم نیست ؟ -وآیا ارائه ی داستانهای ساده و قابل فهم دبستانی به دانشجویان دانشگاهی ، بجای ارائه مطالب علمی ؛ و بعبارت ساده تر استفاده ازروشهای تلقینی بجای روشهای طرح و حل مسئله ؛ ظلم فاحش محسوب نمی گردد ؟

-آیا اتخاذ تصمیمات اقتصادی نامناسب که منجر به آسیب رساندن به نظام اقتصادی فردی و اجتماعی می گردد ؛ ظلم محسوب نمی گردد؟

-وآیا رفتارهای اقتصادی نامناسب ، که منجر به ناهنجاریهای اجتماعی – فرهنگی می گردد ؛ ظلم محسوب نمی گردد ؟

-آیا غصب کردن منصب ها ، ویا مدیریتها ، ویا موقعیت های اقتصادی ، اجتماعی، سیاسی ، فرهنگی و عقیدتی؛ بدون داشتن شرایط لازم ؛ ظلم محسوب نمی گردد ؟

-آیا نقض قوانین انسانی، دررفتارهای فردی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی، فرهنگی ، عقیدتی و....ظلم نیست ؟

-آیا خود محوری ، و عدم توجه به نقطه نظرات دیگرهمنوعان درتعاملات اجتماعی، وتعیین استراتژیها و تاکتیکهای مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی ، ظلم نیست ؟

-وآیا مجریان این آیاها می توانند مدعی اصل ولایت علی "ع " بوده و ازآن حضرت اذن دخول در نماز ؛ و بر قراری ارتباط با خالق جهت تصفیه درونی خواهند ؟

بنابراین : بیان و تکرار این مفهوم عدالت فردی ؛ و در جمع عدالت جمعی ؛ در کلیه سطوح فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و عقیدتی و... را بدنبال دارد ؛ و در غیر اینصورت بعنوان یک فرآیند منافق گونه و در نتیجه یک سم مهلک برای عملکرد ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی محسوب می گردد .

(یـا علی گفتن به هنگـام برخاسـتن از زمین و ایسـتادن ، و یـا به هنگـام انجـام فعالیت فوق العاده سـنگینی ؛ می بایستی تقویت عدالت خواهی و عدالت جویی و عدالت پروری وعدالت گستری را بدنبال داشته باشد ؛ نه صرفا" توان جسمانی و زور بازو را) .

بیان القاب ولی و یا حجت ؛ در حقیقت ذکر و تقویت کلیه صفات بارز الهی است که بصورت نهفته در وجود علی بعنوان تنها سنبل عینی خالق هستی ؛ در جهان هستی قلمداد می گردد ؛ می باشد.

مطمئنا چکیده و خلاصه شده ی این صفات همان عدالت است .

اکنون می بایستی به قضاوت نشست که :

- آیا بدون پذیرش و سعی و تلاش در عینیت یافتن و عملکردی نمودن مفهوم علی (عدالت) می توان اذن دخول جهت اقامه ی نماز گرفت. و

- یا اینکه از شمشیر عدالت آن حضرت سواستفاده نموده ؛ واقدام به دیگر کشی در کلیه شئونات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و.... نمود. و

-آیا انجام این فرآیند (بیان اشهد ان علی ولی الله ویا حجت الله) نمایانگر ضد یت و مخالفت با اصل ولایت علی و امامت آن حضرت محسوب نگردیده ، و بیان ان حرکت منافق گونه محسوب نمی گردد .و

- آیا اثرات آن کمتر از ضربه شمشیر ابن ملجم مرادی نیست ؟

-آیا حجت و ولی خدا را می بایستی بازیچه وملعبه دست قرار داده ، وتنها به ذکر این مفهوم ، و یا "یا علی" گفتن بصورت زبانی اکتفا کرد ؟ و

-یا اینکه حجت و ولی خدا را می بایستی بصورت الگو در تعیین عملکرد ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی تبدیل نموده و به آن عینیت بخشید .

مطمئنا" مقدمات نماز، و سه مفهوم اولیه ی اذان ، واجرایی کردن و عملکردی کردن آنها ؛ با عملکردی نمودن مفهوم چهارم تجلی پیدا نموده و خود را نمایان می سازند.

بدین معنا که بدون عملکردی نمودن مفهوم علی (عدالت) ؛ توحید و نبوت ، ومتعاقبا" تطهیر و وضو ، اشهد ان لااله الا الله ، و اشهد ان محمدا" رسول الله ؛ معنا و مفهوم خود را از دست داده و فاقد بار ارزشی خواهند بود.

در حقیقت به جرأت می توان گفت که هدف اصلی اقامه نماز عینیت بخشیدن به مفهوم علی (عدالت) است .

حی علی الصلاه (۲)

حی علی الصلاه (۲)

(بشتاب بسوی نماز)

زمانی که انسان مقدمات نماز را عینیت بخشیده ؛ و آن مقدمات را توام با مفاهیم چهارگانه ی مذکور (اذان) ؛ بصورت عملکرد ذهنی - حرکتی فردی و اجتماعی تبدیل نمود ؛ آنوقت مجاز می باشد این مفهوم را بیان نموده ؛ و سعی در عینیت بخشیدن به آن نماید .

عملکرد این مفهوم بدین صورت است که :

شتاب برای گندزدایی "خود" ؛ در راستای ارتباط برقرار کردن با خالق ؛ از جمله ضروریات برقراری این ارتباط می باشد .

شتاب در فرایند گندزدایی خود ؛ در حقیقت گام برداشتن در مسیر توحید و یکتاپرستی است ؛ که فرد ودرنتیجه اجتماع را پویا و مولد ساخته ؛ و از دیگرپرستی و بت پرستی (اعم از بت های انسانی ، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی،عقیدتی و...) باز داشته ؛ و به مرحله ی خودیابی (بعنوان یک انسان)نزدیک نموده ؛ و نتیجتا" موقعیتهای فرهنگی او را مشخص وتحکیم می نماید .

همانطوریکه در مباحث قبلی ؛ تحت عنوان مقدمات نماز ذکر نمودیم شتاب برای اقامه نماز ؛ انسان را از منیت و خود محوری ، استبداد و زورگویی ، ظلم و ستم و....دور نموده ؛ و فرد را ؛ با تجزیه و تحلیل و تعلیل داده های ذکر شده ؛ به سمت عدالت محوری و عدالت جویی سوق می دهد .

تعادل جویی اقتصادی ، تعادل جویی اجتماعی ، تعادل جویی سیاسی ، تعادل جویی فرهنگی ، تعادل جویی عقیدتی و...از جمله مواردی می باشند که مسیر حرکتی فرد، و در نتیجه جامعه را به سمت یک زندگی انسانی- الهی ؛ سوق داده ؛ و موجب ثبات واستحکام جامعه در این حرکت می گردد.

تقویت ویژگی ها وصفات حضرت حق ؛ و کنار گذاشتن صفات نامطلوب ؛ نیز از جمله موارد مهمی است که شتاب کننده ؛ قبل از اقامه ی نماز؛ می بایستی در "خود" مورد تجزیه و تحلیل و تعلیل قرار داده ؛ و الگوهای رفتاری انسانی و سالم؛ بصورت عملکرد ذهنی – حرکتی در کلیه ی جهات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ،عقیدتی و..... ؛ ونیزتعامل مناسب انسانی توام با عدالت ؛ در تبادل فرهنگهای ذکر شده را در "خود" ایجاد و تقویت نماید .

شتاب برای اقامه ی نماز؛ در حقیقت شتاب برای نیت است و:

۱-نیت به معنای قصد انجام کار .

۲-نیت به معنای قصد اصلاح "خود".

۳-نیت به معنای تقویت قوه تفکر و ارزشیابی در "خود".

۴-نیت به معنای حرکت در مولد بودن "خود".

۵-نیت به معنای فاعل بودن "خود" نه مفعول بودن آن.

۶-نیت به معنای عدم وابستگی فکری به یک تفکر خاص

۷-نیت به معنای استقامت و پایداری در عملکردی نمودن فرهنگ دریافتی ارزشیابی شده ومورد تایید توسط "خود".

۸-نیت به معنای حیات و حرکت .

۹-نیت به معنای حق گویی و حق جویی.

۱۰-نیت به معنای ظلم ستیزی و مبارزه با ظلم.

۱۱-نیت به معنای حرکت در تامین مکان مناسب غیر غصبی جهت اقامه نماز. (مکانی که در مسیر رودخانه ؛ و یا در خیابان و مسیر عبور و مرور؛ که تعیین کننده ی مسیر حرکتی دیگر انسانها ست، قرار نگرفته باشد.)

۱۲- نیت به معنای حرکت در تعیین موقعیت شغلی غیر غصبی.

۱۳-نیت به معنای حرکت در تعیین موقعیت سیاسی غیر غصبی.

۱۴-نیت به معنای استفاده از پوشش و لباس انسانی.

۱۵-نیت به معنای عدم استفاده از پوشش گرگی و یا خرسی و یا.....

۱۶-نیت به معنای حرکت در تطهیر سیستم مدیریتی فردی (مغز) ، و اجتماعی، و سیاسی، واقتصادی، وفرهنگی، و عقیدتی و...

۱۷-نیت به معنای گندزدایی فرآیند دیدن و شنیدن و بوییدن و لمس کردن.

۱۸-نیت به معنای تنظیم عملکرد اندام های حرکتی ؛ نظیر پاها و دستها ؛ متناسب با ذات و فلسفه ی وجودیشان.

۱۹-نیت به معنای پذیرش و عملکردی نمودن حلال و حرام.

۲۰-نیت به معنای بیداری و خودداری از خواب آلودگی در کلیه ی فرآیند های مرتبط با زندگی.

۲۱-نیت به معنای خودداری و جلوگیری از آلودگی صوتی (ارائه ی اندیشه های نا مطلوب)

۲۲-نیت به معنای رعایت اصول انسانی و الهی در ارتباط با "خود"، جامعه و محیط

۲۳-نیت به معنای جلوگیری و دوری جستن از نجاسات ذهنی ، جسمی و محیطی.

۲۴-نیت به معنای حرکت در راستای سلامت روان و جسم.

۲۵-نیت به معنای حرکت در راستای ارتقاء سطح سلامت فردی و اجتماعی در کلیه سطوح فرهنگی (اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و....)

۲۶-نیت به معنای حرکت در ایجاد شهر سالم.

۲۷-نیت به معنای ایجاد و تقویت روحیه ی شاد و شاداب فردی و اجتماعی.

۲۸-نیت به معنای حرکت در ایجاد محیط امن (تامین امنیت فردی ، اجتماعی ، شغلی ، اندیشه ای و...)

۲۹-نیت به معنای حرکت در جلوگیری از نا امنی.

۳۰-نیت به معنای انجام واکسیناسیون مرتب و به موقع خود ؛ و جامعه ی تحت پوشش (اقامهِ نماز،و نماز جماعت) به منظور جلوگیری از بیماری و اشاعه ی آن در جامعه (جامعه ی بیمار)

۳۱-نیت به معنای حرکت در عملکردی نمودن مفهوم "الله اکبر".

۳۲-نیت به معنای حرکت در عملکردی نمودن مفهوم "اشهد ان لا اله الا الله" .

۳۳-نیت به معنای حرکت در عملکردی نمودن مفهوم "اشهد ان محمدا رسول الله" (حق گویی ، حق جویی وحق طلبی)

۳۴-نیت به معنای حرکت در عملکردی نمودن مفهوم "اشهد ان علی ولی الله" و اشهد ان علی حجه الله"

۳۵-نیت به معنای حرکت در عملکردی نمودن عدالت در کلیه ی سطوح حرکتی.

۳۶-نیت به معنای حرکت برای زندگی ؛ و نه زیست تنها .

بنابراین بیان مفهوم "حی علی الصلاه" ؛ می بایستی در راستای یادآوری ، تجزیه و تحلیل و تعلیل داده های فوق ، و موارد مشابه صورت پذیرد ؛ تا بار ارزشی پیدا نماید ؛ در غیر اینصورت همانند دیگر مفاهیم مندرج در نماز نه تنها اثرگذار نبوده ؛ بلکه به عنوان یک عاد ت نامطلوب و مضمحل کننده ی فرهنگ متعالی نماز؛ و موارد مرتبط آن می گردد.

اکنون می توان به جرأت مدعی شد که :بدون عملکردی نمودن این مفهوم ؛ نمی توان :اذن و اجازه ی برقراری ارتباط با خالق هستی(اقامه نماز)را دریافت نمود .

حی علی الفلاح (۲ مرتبه)

حی علی الفلاح (۲ مرتبه)

(بشتاب بسوی رستگاری)

-رستگاری چیست ؟

-و چرا در اذان از جمله مواردی است که جهت ورود به نماز رعایت اصول مرتبط با آن ضروری بوده؟

- ومی بایستی درتحقق واجرای آن بصورت عملکرد" ذهنی – حرکتی" شتاب کرد ؟

رستگاری ؛ معنای الهی داشته ؛ که از جمله می توان معناهای زیر را در مورد آن ذکر نمود :

۱- رستگاری یعنی: رهایی از بند و بندگی .

۲- رستگاری یعنی: رهایی از قیدها .

۳- رستگاری یعنی: آزادی .

۴- رستگاری یعنی: رسیدن به فرآیند "دریافت ، ادراک ، ارزشیابی و انتخاب" .

۵- رستگاری یعنی: انتخاب آزاد فرآیندهای مرتبط با زندگی؛ و حرکت در مسیر رسیدن به فرآورده های آن .

۶- رستگاری به معنای: پویایی وخلاقیت .

۷- رستگاری به معنای: بیداری و هوشیاری ودوری جستن از خواب آلودگی (ویا به خواب زدن خود) ؛ در فرآیند ارزشیابی عملکردی فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و عقیدتی ،علمی و....

۸- رستگاری به معنای: زیبا نگریستن به خود ، طبیعت ، اجتماع و دگر انسان ها ودر نتیجه کلیه شئونات زندگی .

۹- رستگاری به معنای: حرکت در جهت تغییر خود و جامعه ی تحت پوشش؛ متناسب با نیازها و ویژگیهای انسانی .

۱۰- رستگاری به معنای: تفکر و نهراسیدن از آن؛ در کلیه موارد مرتبط با فرآیند زندگی .

۱۱- رستگاری به معنای: داشتن جرأت دانستن .

۱۲- رستگاری به معنای: شهامت تحمل افکار و عقاید مخالف .

۱۳- رستگاری به معنای: اندیشیدن بیشتر به پرسش ؛ نه به پاسخ .

۱۴- رستگاری به معنای: افزودن بر سرعت تیز بینی و تیزشنوی .

۱۵- رستگاری به معنای: افزایش دقت به روابط بین پدیده ها و استفاده از آن؛ در ارتقاء سطح سلامت فردی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، عقیدتی و....

۱۶- رستگاری به معنای: عدم تقلید صرف .

۱۷- رستگاری به معنای: شکل دهی شخصیت ویا فرهنگ "خود" ؛ بر اساس: دریافت های نشأت گرفته از فرایند تقلید توا م با تفکر و ارزشیابی و انتخاب .

۱۸- رستگاری به معنای: طرح و حل مسائل مرتبط با زندگی ؛ توسط "خود" از طریق:

- شناخت تحلیلی و تعلیلی آن مسئله و

-تعیین عناصر و عوامل ترکیبی آن و

-تعیین عنصر و یا عوامل منجر به ایجاد مسئله . (منتظر معجزه ننشستن .)

۱۹- رستگاری به معنای: اندیشیدن به مسائل تربیتی موجود جامعه ؛ و نه پرداختن صرف به مسائل گذشته .

۲۰- رستگاری به معنای: حساس بودن ، فعال بودن و خلاق بودن در کلیه موارد مرتبط با فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ،علمی ودر نتیجه: تعیین الگوهای رفتاری و یا عملکردی مناسب.

۲۱- رستگاری به معنای: دوری جستن از تملق گویی و چاپلوسی ؛ و برخورداری از صراحت لهجه .

۲۲- رستگاری یعنی: بیزاری از هر گونه دروغگویی و دروغپردازی .

۲۳- رستگاری یعنی: تقویت ثبات شخصیتی ؛ و دوری جستن از ابن الوقت بودن .

۲۴- رستگاری یعنی: اشتیاق به "تفکر خلاق" و "تعلیل" ؛ و در نتیجه کوشش برای ابتکار و خلاقیت .

۲۵- رستگاری یعنی: تقویت روحیه انتقادی در "خود". (انتقاد از خود قبل از انتقاد از دیگران)

۲۶- رستگاری یعنی: دوری جستن از یکنواختی؛ و تلاش برای تغییر .

۲۷- رستگاری یعنی: دوری جستن از هر گونه طفیلی بودن ؛ و رغبت فزاینده به کار و کوشش .

۲۸- رستگاری به معنای: فعالیت به سبب انگیزش، ویا خواست درونی ؛ و نه به سبب تحریک از خارج .

۲۹- رستگاری به معنای: بهره مندی از اعتقاد و اعتماد به نفس .

۳۰- رستگاری به معنای: "خود" را ارزشمند پنداشتن .

۳۱- رستگاری به معنای:

- ارزشیابی مداوم تجارب "خود"، و

-کوشش برای افزایش و تکامل آن ، و

- نه ثابت نگهداشتن و معتبر شمردن آنها .

۳۲- رستگاری به معنای:

- ارزش حیاتی دادن به زمان ؛ و

- نه ارزش مادی قائل شدن به زمان .

۳۳- رستگاری به معنای:

- تلاش برای بوجود آوردن امکانات نشستن ؛ و

- نه به انتظار پیدایش امکانات نشستن و یا معجزه .

۳۴- رستگاری به معنای:

- پیوسته امیدوار بودن ؛ ونه

- غالبا" مایوس و ناامید بودن .

۳۵- رستگاری به معنای:

- دائما" خود را ارزیابی کردن ؛ و

- نه اجتناب از ارزیابی خود .

۳۶- رستگاری به معنای ....

باملاحظه ی موارد فوق و دیگر مواردی که تبیین کننده ی فلاح و یا رستگاری است؛ میتوان نتیجه گرفت که:

بیان مفهوم " حی علی الفلاح "بدون در نظر گرفتن موارد منجر به تغییر؛ که به آن اشاره نموده ایم ؛ فاقد بار ارزشی بوده ؛ و نمی توان از آن بعنوان مجوز ورود به نماز استفاده نمود .

بار ارزشی این مفهوم در:

- گندزدایی "خود" ؛ و

- آلوده زدایی محیط فیزیکی و

- آلوده زدایی فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و.... جامعه ی تحت پوشش ، و سایر جوامع بشری و محیطی (طبیعت و آنچه در ان وجود دارد) بوده ؛ و

- استفاده ی بهینه از موارد مرتبط با زندگی در راستای زیبا زندگی کردن را سبب می گردد .

حی علی خیرالعمل (۲مرتبه)

حی علی خیرالعمل (۲مرتبه)

(بشتاب بسوی کارها و اعمال خوب) (بهترین کارها)

بهترین کارها چیست ؟

و چگونه می توان آنرا انجام داد ؟

-آیا آلوده زدایی و یا گندزدایی ؛ " خود " بهترین کارها محسوب نمی گردد ؟

-آیا خود یابی، و رسیدن به " خود "، و آلوده زدایی اندیشه ها و عقاید، و عملکردهای مرتبط با آن بهترین کارها محسوب نمی گردد ؟

-آیا اندیشیدن ، دریافت ، ارزشیابی و انتخاب راهکارهای مناسب اصول انسانی در کسب درآمد (فرهنگ اقتصادی) ؛ بهترین کارها محسوب نمی گردد ؟

-آیا حیات توام با حرکت (زندگی) ؛ بهترین کارها نیست ؟

-آیا خود باوری ، خودعاملی ، و خود فاعلی ؛ بهترین کارها نیست ؟

-آیا عدم وابستگی مطلق به افکار ، عقاید ، اندیشه ها و بطور کلی یک فرهنگ خاص ؛ بدون تفکر ، ارزشیابی و قیاس با دگر فرهنگ ها ؛ بهترین کارها محسوب نمی شود ؟

-آیا ایجاد ، تقویت و رشد مفهوم اکبر (الله اکبر) در" خود" ؛ بهترین کارها نیست ؟

-آیا عملکردی نمودن مفهوم " اشهد ان لا اله الا الله " ؛ و دوری جستن از بت پرستی ؛ در کلیه سطوح اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و عقیدتی ؛ در "خود" ؛ بهترین کارها نیست ؟

-آیا عملکردی نمودن مفهوم " اشهد ان محمدا" رسول الله " ؛ و ایجاد ، تقویت و رشد ویژگیهای ؛ حق گویی ، حق جویی و حق طلبی در " خود " ، ومحیط اجتماعی – فرهنگی ؛ بهترن کارها نیست ؟

-آیا عینیت بخشیدن به مفهوم " اشهد ان علی ولی الله " و " اشهد ان علی حجت الله " (علی و عدالت بعنوان حجت ، و ولی خالق در جهان هستی) ؛ و عملکردی نمودن مفهوم عدالت در کلیه سطوح اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و......در "خود" و محیط اجتماعی ؛ بهترین کارها نیست ؟

-آیا شـتاب برای اقامه نماز؛ و گندزدایی "خود" ؛ در ارتباط با تعامل میان "خود با خود" و"خودبا اجتماع" ؛ و رعایت اصول انسانی و الهی در این فرآیند ؛ بهترین کارها محسوب نمی گردد؟

-آیا شتاب برای رستگاری ، و رسیدن به آمال و آرزوهای انسانی ؛ بهترین کارها نیست؟

-آیا جهت نیل به آرزوها و آمال انسانی ؛ رعایت اصول مرتبط با گندزدایی "خود" در فرایند وضو ؛ و در نتیجه گام برداشـتن در راستای اصلاح خود و جامعه در سطوح مدیریتی و اجرایی ؛ بهترین کارها نیست ؟

-آیا تغییر فلسفه ی مقدمات و ارکان نماز؛ از یک عادت بدون بار ارزشی ؛ به یک عملکرد ذهنی – حرکتی پایدار فردی و اجتماعی ؛ بهترین کارها محسوب نمی گردد؟

-آیا تامین مسکن غیر غصبی (موقعیت های شغلی ، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و...) ؛ ودر نتیجه ؛ اعمال حق و رعایت عدالت در کلیه سطوح مرتبط با زندگی ؛ بهترین کارها نیست ؟

-آیا خارج کردن پوشش های گرگی ، یا خرسی ، یا روباهی و یا.... از تن ؛ و استفاده از پوشش انسانی ؛ در ارتباط با "خود" ، "جامعه" ، "محیط" و......؛ بهترین کارها محسوب نمی گردد؟

بنابراین می توان دریافت که :

بیان مفهوم " حی علی خیرالعمل " ؛ بدون تاکید بر عملکردی نمودن ؛ و نیز عملکردی نمودن پاسخ پرسش های فوق و پرسش های مشابه ؛ فاقد با ر ارزشی بوده ؛ و بیان و تکرار آن نه تنها اصلاح ساختاری الگوهای حرکتی جامعه را بدنبال نداشته ؛ بلکه بعنوان یک حرکت نامطلوب و یا به جرات می توان گفت یک سم مهلک فرهنگ اصیل اقامه ی نماز محسوب می گردد.

در مقابل عینیت بخشیدن به این مفهوم بصورت عملکرد ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی ؛ و تکرار آن در فواصل زمانی بین نمازهای پنجگانه ؛ می تواند بعنوان یک قانون محکم الهی ؛

- موجب نجات انسانها ؛ از پوشیدن پوشش های غیر انسانی ،

- غصب جایگاه ها و موقعیت های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و...گردیده ؛ ودر نتیجه:

-عملکردی نمودن مفهوم "حق" و مفهوم "عدل" در فرد و جامعه را بدنبال داشته و

- رابطه تعاملی عادلانه در انتقال اندیشه ، عقاید ، دانش و....را بدنبال خواهد داشت.

بنابراین بهترین کارها ؛

- با توجه به الگوهای رفتاری مندرج و

- تاکید بر تغییر و اصلاح عملکردی ؛

چیز دیگری بجز اقامه ی نماز نمی تواند تلقی گردد ؛ که در اذان جهت اذن دخول در برقراری ارتباط با خالق ، و عقد عهدنامه ی عملیاتی (بیع نامه) ؛ ضرورت عینیت بخشیدن به آن کاملا" محسوس بوده ، و عدم تحقق آن موجب عدم مجوز

دخول در برقراری این ارتباط محسوب می گردد .

مجددا" یادآوری می نماید:

آیا بـدون برقراری ارتباط دوستی و هماهنگی اندیشه ای و عملکردی می توان انتظار مجوز ورود ؛ جهت تعامل از سوی طرف مقابل (خالق هستی) را داشت؟

مطمئنا" پاسخ این سوال خیر است و جهت تحقق آن می بایستی تضادها و مخالفت های متقابل را کنار گذاشته و سعی در ایجاد اندیشه های مشترک و احترام عملی به فرهنگ طرف مقابل را پیشه ی راه خود کرده تا بتوان با او رابطه ی دوستی و تعاملی برقرار نمود.

جهت اخذ مجوز ورود به نماز؛ و اقامه ی آن نیز ضرورت دارد بصورت عملکردی به مفهوم " حی علی خیرالعمل " عینیت بخشیده ؛ و این مفهوم را در خود و در محیط اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و عقیدتی خود متجلی ساخته ؛ وبعنوان الگوی عملکردی ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی تبدیل نمود .

الله اکبر (۲مرتبه)

الله اکبر (۲مرتبه)

(خدا بزرگتر از آن است که بتوان او را وصف کرد.)

بیان این مفهوم در این مرحله از اذان در حقیقت :

تاکیدی بر:

– اکبر بودن خالق ؛ و در نتیجه در مرحله ی بعدی

– اکبر بودن انسان درخودباوری ، خودفاعلی ، خودعاملی ، خلاقیت وحل مسئله و...می باشد.

رسیدن به مرحله ی ,مستلزم احراز شرایط مرتبط با ویژگی های اکبر می باشد؛ که بیان و تکرار آن می بایستی:

عملکرد "ذهنی – حرکتی" فردی و اجتماعی را تغییر داده ؛ و در راستای رسیدن به مرحله ی اکبر بودن ؛ تغییرات لازم را صورت دهد .

که در غیر این صورت بیان و تکرار آن :

۱– نه تنها موجب اصلاح ساختاری فردی و اجتماعی در سطوح مختلف فرهنگی (فرهنگ اقتصادی ، فرهنگ اجتماعی ، فرهنگ سیاسی ، فرهنگ عقیدتی و...) نگردیده ؛

۲– بلکه با عینیت بخشیدن و ترسیم تصویر غیر واقعی بصورت توسل های صرف (خدا بزرگ است.) موجب :

–ایستایی و بی تحرکی فرد و اجتماع شده و

– پویایی و در نتیجه خلاقیت را از او سلب نموده و

– بی تفاوتی در مقابل اتفاقات محیط اطراف خود را سبب می گردد.

ویژگی های احراز مفهوم" اکبر" در انسان در طول طی مراحل مقدمات نماز ،غسل و وضو ، اذان ، اقامه ، و فرآیند نماز کاملا" مشهود می باشد.بعنوان مثال :

عاری بودن از آلودگی ؛ از جمله مهمترین موارد مرتبط با مفهوم " اکبر " می باشد که در فرآیند غسل ویا وضو می بایستی مورد توجه قرار گرفته ؛ و بصورت عملکردی عینیت یابد.

اکنون جهت یادآوری چند پرسش زیر را بعنوان نمونه مطرح می نماییم:

۱-آیا فرآیند تطهیر (از بالا به پایین)در انسان ؛ فرد و جامعه را بسوی رسیدن به مفهوم " اکبر شدن "سوق نمی دهد ؟

۲- آیا فرآیند تطهیر مرکز مدیریتی و فرماندهی بدن (مسح سر) ؛ انسان را در مسیر تفکر ، خود باوری ، خود یابی ، خود فاعلی ، خودعاملی ، خلاقیت وحل مسئله و...که در نهایت رسیدن به مفهوم "اکبر" را سبب می گردد ؛ قرار نمی دهد ؟

و آیا این تطهیر ساختار مدیریتی جامعه را بسوی رسیدن به مرحله ی " اکبر شدن " نمی کشاند ؟

۳- آیا فرآیند تطهیر مرکز فرماندهی بدن ؛ موجب تطهیر مرکز تفکر در "دریافت ها ، ارزشیابی ها ، انتخاب ها ، تصمیم گیری ها "؛ که در نهایت منجر به "خلاقیت و انتخاب و پویایی" می گردد ؛ مسیر حرکتی انسان و محیط "اجتماعی – فرهنگی" او را به سمت رسیدن به مفهوم " اکبر " تعیین نمی نماید ؟

۴- آیا تقویت و رشد سیستم پردازش اطلاعات در مغز ؛ انسان را در مسیر " اکبر شدن " قرار نمی دهد ؟

۵- آیا تطهیر اندام های حرکتی (مانند مسح پا) ؛ بعنوان سنبل حرکتی در گندزدایی فرایندهای مرتبط با "طی طریق" نظیر:

فرآیند های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، علمی ، عقیدتی و... و تطهیر آنان؛ موجب تطهیر فرد و اجتماع ؛ و اصلاح و تغییر ساختارهای موجود در آن ؛ نگردیده ؛ و این فرایند فرد و جامعه را بسوی رسیدن به مرحله ی " اکبر شدن " حرکت نمی دهد ؟

۶- آیا فرآیند تطهیر سمبلیک اندام های حسی (دیدن ، شنیدن ، بوئیدن ، لمس کردن و چشیدن) ؛ که می بایستی :

عملکرد "ذهنی – حرکتی" (رفتاری) فردی و اجتماعی را در کلیه ی سطوح فرهنگی ؛ گندزدایی نماید ؛ انسان و جامعه را به سوی رسیدن به مفهوم " اکبر " سوق نمی دهد ؟

۷- آیا زیبا نگریستن ، زیبا شنیدن ، زیبادریافت کردن ، زیبا لمس کردن ، زیبا چشیدن ، زیبا بوئیدن و...انسان وجامعه را به سمت رسیدن به مفهوم " اکبرشدن " حرکت نمی دهد ؟

۸ – آیا فرایند " نیت " ؛ جهت اصلاح و تغییر ساختارهای "ذهنی – حرکتی" فردی و اجتماعی در ارتباط با " خود " و " جامعه " ؛ گام برداشتن در مسیر رسیدن به مفهوم " اکبر " نیست ؟

۹- آیا الگو قراردادن مبطلات وضو؛ که بعنوان یک حرکت سمبلیک جهت پرورش خلاقیت درفرایند " شناسایی ، اندازه گیری ، ارزشیابی و ابداع روشهای کنترلی" آلایندهای "محیطی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و عقیدتی و...."مطرح شده است ؛ گامی در جهت " اکبر شدن " نیست ؟

۱۰-آیا جلوگیری از خوابیدن و خواب آلودگی ؛ و یاخود را به خواب زدن ؛ به صورت یک حرکت مداوم پنج نوبته در شبانه روز؛ که جهت پایداری وضو و یا غسل ؛ و ادای نمازهای یومیه کاربرد دارد ؛ بصورت یک حرکت سنبلیک نبوده ؛ و اعمال آن در اصلاح و تغییر و ارتقاء ساختاری سلامت فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و...و نیز مسائل مرتبط با زیست محیط ، و ابداع روشهای مناسب کنترلی ؛ گامی در راستای " اکبر شدن " نیست ؟

و آیا بیداری نمایانگر هوشیاری در تفکر و خلاقیت و " اکبر شدن " نیست ؟

۱۱- آیا الگو قراردادن فرایند دفع ادرار و مدفوع ، و یا گازهای معده از طریق روده ی بزرگ (مبطلات وضو) ، و ورود آنان به محیط اطراف که تماما" موجب آلودگی زیست محیطی گردیده ،و ایجاد محدودیت در سلامت فردی و اجتماعی و محیطی می کنند؛ و بعنوان یک حرکت سنبلیک در مبطلات وضو مطرح گردیده است؛ درتعیین راهکارهای جلوگیری از آلودگی های زیست محیطی و نیز آلودگی های فرهنگی در فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی، عقیدتی و.... گامی در جهت خلاقیت و رسیدن به مفهوم "اکبر" نیست ؟

و آیا جلوگیری از آلودگی صوتی و یا بعبارت دقیق تر آلودگی های نشأت گرفته از عدم ارتباطات تعاملی تعادلی ؛ نمی تواند نشانگر حرکت فرد و اجتماعی در فرایند رسیدن به مفهوم "اکبر" تلقی گردد؟

۱۲- آیا مهمترین هدف وضوی دستجمعی و اقامه ی نمازهای جماعت ؛ حاکی از گندزدایی فردی و اجتماعی در جهت اصلاح و ارتقاءسطح سلامت فردی و اجتماعی نبوده؛ و جمع را به سمت " اکبرشدن" سوق نمی دهد ؟

۱۳-آیا رعایت موارد مرتبط با مکان نماز؛ مانند :

غصبی و نجس نبودن و در مسیر عبور و مرور قرار نگرفتن (ایجاد مزاحمت برای دیگران نکردن) و داشتن ایمنی و....جامعه را بسمت " اکبرشدن " هدایت نمی نماید ؟

۱۴- آیا رعایت :

- نظم در زمان اقامه ی نماز و

- گندزدایی و واکسیناسیون " خود" و "محیط اجتماعی فرهنگی "خود"در زمانهای تعیین شده

نمایانگر نظم در راستای تحقق عدالت و درنتیجه "اکبرشدن" نیست ؟

۱۵-آیا رعایت:

- شرایط مرتبط با لباس نمازگزار و

-عدم استفاده از پوشش گرگی، خرسی ، شیری، روباهی و....و

در نتیجه استفاده از پوشش انسانی و مناسب ؛ بیانگر راه رسیدن به مفهوم " اکبر شدن" نیست ؟

۱۶- آیا عملکردی نمودن مفاهیم مندرج در اذان بصورت عملکرد "ذهنی – حرکتی" فردی و اجتماعی ؛ در کلیه سطوح فرهنگی نمی تواند بیانگر فرایند رسیدن به مفهوم " اکبر شدن" باشد؟

۱۷-و آیاهای دیگر ....

وبالاخره :

-آیا بیان و تکرار مجدد مفهوم "الله اکبر" در دو نوبت ؛ بدون پاسخ دادن و عملکردی نمودن آیاهای فوق می تواند بار ارزشی داشته باشد؟

-وآیا از آن می توان بعنوان مجوز دخول به نماز و برقراری ارتباط با خالق استفاده کرد ؟

-ویا اینکه این مفهوم نیز بصورت لقلقه ی زبان و بصورت یک عادت نامطلوب فردی و اجتماعی و مضمحل کننده ی فرهنگ الهی بیان می گردد .

لا اله الی الله (۲مرتبه)

(نیست خدایی بجز خدای یکتا)

بیان این مفهوم در پایان اذان :

- تاکیدی بر موحد بودن فرد بوده که در نتیجه انسان مسلمان با بیان آن خود را از:

بت پرستی ، دیگر پرستی ، فرد پرستی ، مال پرستی ، مقام پرستی و.... مبرا نموده ، و با تاکیدی که بر این مفهوم می نماید مجوز دخول به نماز و برقراری ارتباط با خالق را از او درخواست می نماید.

یادآوی می نماید که نماز گزار در مراحل اولیه بیان اذان ، هدف را با بیان مفهوم اشهد ان لا اله الی الله مشخص نموده، و اهداف مرحله ای و یا بینابینی، و نیز مراحل عملیاتی را در طول بیان اذان تا این مرحله مشخص نموده ،و تعهد لازمه را جهت تغییر عملکرد ذهنی – حرکتی خود متناسب با اصول ذکر شده در هر مفهوم سپرده است .

بعبارت دقیقتر انسان مسلمان زمانی این مفهوم را بر زبان می آورد که تمامی مراحل رسیدن به این مفهوم را طی کرده و بصورت عملکرد "ذهنی – حرکتی" عینیت لازمه را به آن داده باشد.

در حقیقت اوج تکامل انسانی ، رسیدن به این مفهوم می باشد .

مفهومی که از آدمی انسان می سازد .

انسانی که :

-اصول انسانی را بعنوان الگو و عملکرد "ذهنی – حرکتی" قرار داده و

- روابط فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن تنظیم نموده و

-با برقراری رابطه ی تعاملی عادلانه در زمینه های فرهنگ های اقتصادی ،اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و....به حیات و حرکت خود ادامه می دهد .

با بیان این مفهوم می بایستی شاهد انسانی باشیم که:

-پاک بوده و آلودگی نداشته و

- لباس و پوشش غیر انسانی به تن نکرده باشد.

همچنین شاهد انسانی باشیم که :

- پرسشهای ذکر شده در مقدمات نماز و نیز

- پرسش های مرتبط با مفاهیم اذان را

مورد تجزیه و تحلیل و تعلیل قرار داده و پاسخ مناسب را برای این پرسـش ها پیدا نموده و عملکرد "ذهنی – حرکتی" خود را در کلیه شئونات فرهنگی (اعم از

فرهنگ اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و...)بر اساس داده های ناشی از پاسخ های مربوطه تنظیم نماید.

اکنون این انسان می تواند مجوز لازمه را جهت اقامه ی نماز و برقراری ارتباط با خالق دریافت نماید .

سوالات پایانی مبحث اذان

سوالات پایانی مبحث اذان این است که :

۱-آیا می توان بدون رسیدن به اهداف تعیین شده در اذان که از جانب خالق هستی ابلاغ گردیده است ، و نیز بدون عملکردی نمودن این اهداف ، مجوز ورود به مرحله ی بعد ، یعنی اقامه ی نماز را درخواست و دریافت کرد ؟

۲- و آیا این درخواست به منزله ی ملعبه ی دست، قرار دادن و یا به تمسخرگرفتن حضرت حق نمی تواند تلقی گردد ؟

۳- و آیا این درخواست به منزله ی تمسخر خود نیست ؟

۴- و آیا این درخواست نمی تواند موجب:

- عدم ارائه ی حقیقی فرهنگ مترقی اذان در میان سایر فرهنگ های موجود گردیده - و برداشت های سوء و غیر منصفانه از آن صورت پذیرفته

- و بعنوان یک فرهنگ تهی از ارزش ،

- و تنها مرتبط با روز قیامت

تلقی گردد ؟

۵- و آیا عینیت یافتن این پرسش ها نمی تواند بعنوان یک سم مهلک کشنده برای فرهنگ اصیل اسلامی و در نتیجه جوامع اسلامی تلقی گردد ؟

۶- و آیا با عینیت یافتن این پرسش ها در جامعه می توان انتظار مقابله با اشاعه ی فرهنگ های نامطلوب ، ویا بعبارت دیگر تهاجم فرهنگی را گرفت ؟

۷- وآیا عینیت یافتن این پرسش ها در جامعه موجبات اضمحلال فرهنگ اقتصادی سالم را فراهم نمی سازد ؟

۸- و آیا عینیت یافتن این پرسش ها موجبات ایجاد روابط نامطلوب و ناسالم در فرهنگ های اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، علمی ، عقیدتی ، تعاملی و...را فراهم نمی سازد ؟

۹- و آیا درخواست کننده ی اذن دخول منافق نیست ؟ و حرکت او را اگر حرکت منافق گونه نامگذاری نکنیم -چه نامی می توان بر آن گذاشت ؟

بنابراین :

از بررسی مفاهیم تجزیه و تحلیل و تعلیل شده ی موجود در اذان می توان نتیجه گرفت که:

-بیان و تکرار این مفاهیم در فواصل زمانی منظم و مشخص

- تنها و تنها یک الگوی راهبردی جهت تغییر واصلاح عملکرد "ذهنی– حرکتی" ، و

- یا بعبارت دقیقتر گندزدایی خود و جامعه ی تحت پوشش در کلیه ی فرایندهای فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و...بوده

-که در صورت عینیت یافتن ، بار ارزشی به خود گرفته ؛و

- در غیر اینصورت بعنوان یک فرایند تهی از ارزش ؛ در سقوط ارزش های واقعی مندرج در اذان تلقی می گردد .

فعال کردن بعد عاطفی (امید) در انسان ؛ از جمله مهمترین فرآیندهای موجود در اذان می با شد که موذن با فعال نمودن آن از طریق مفاهیم موجود در اذان خصوصا" "الله اکبر" و "اشهد ان لا اله الی الله" ؛ می بایستی نسبت به فعال سازی و تقویت ویژگی های مرتبط با انسان اقدام نماید . از جمله ی این ویژگی ها می توان موارد زیر را نام برد :

۱-فعال کردن فرآیند دریافت ، ادراک ، اندیشه ، سنجش ، انتخاب و داوری فرهنگ های مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی و.... که در نتیجه ی آن ؛ الگوهای حرکتی فردی و اجتماعی را در ارتباط با خود و جامعه ی تحت پوشش تعیین گردیده و بصورت یک فرهنگ عینیت یافته ی فردی و اجتماعی تجلی پیدا می نماید.

۲-فعال کردن فرآیند "یادگیری –یاد دهی" ؛ از طریق تقویت و ایجاد خودباوری ، خودعاملی ، خود فاعلی و امید توام با حرکت ؛ در جهت عینیت یافتن این فرایند در اجتماع تحت پوشش ؛ از طریق مفهوم سازی و درونی کردن مفاهیم ؛ در خود و جامعه . (فعال کردن ویژگی "نه" گفتن به فرایندهای عملکردی دیکته ای).

۳-فعال کردن فرآیند حق گویی ، حق جویی ، حق طلبی و امید به ترویج این فرایند ؛ و تجلی آن بصورت عینیت یافته ؛ از طریق فعال سازی مفهوم (اشهد ان محمدا" رسول الله.)

۴-فعال سازی ویژگی " استعداد ابزارسازی و کاربرد ابزار " و در نتیجه خلاقیت در تولیدات صنعتی ، کشاورزی ، علمی و...

۵-فعال کردن ویژگی " ارزشیابی و انتخاب " ؛ و در نتیجه فعال کردن فرایند "آزادی " در اندیشه ، انتخاب ، عملکرد ، بیان ، دریافت و...

۶-فعال کردن و ارتقاء ویژگی " انگیزش " ؛ با انتخاب و یا تولید محرک های قوی و مناسب .

۷-فعال کردن ویژگی های رغبت و نفرت ؛ در راستای رسیدن به اهداف انسانی و الهی ؛ و ترسیم حقیقی از این دو ویژگی ؛ در تعیین اهداف مرتبط با زندگی ؛ و نه زیست.

۸-افزایش رغبت به انجام صحیح کار.

۹-افزایش تمایل به دوستی و زند گی اجتماعی بر اساس :عدالت خواهی و عدالت پروری و عدالت جویی ؛ و تنظیم ویژگی های تمایل به داشتن و اوج گرفتن ، تمایل به قدرت و مقام ، تمایل به کسب موقعیت های اجتماعی و موفقیت در آن و بر اساس آن .

۱۰- فعال کردن ویژگی نفرت در زمینه های : نفرت از ظلم ، نفرت از زندگی انفرادی ، نفرت از بی عدالتی ، نفرت از جهل و نادانی ، نفرت از فقر و تنگدستی و....در روابط فردی و اجتماعی .

۱۱- فعال سازی ویژگی شناسایی و اندازه گیری عوامل مثبت و منفی محیط فیزیکی ، محیط اجتماعی، محیط فرهنگی عقیدتی امنیتی و...در درون و ذهن انسان و عملکردی نمودن آن بصورت آزاد اندیشی ؛ بدور از هرگونه فشار محیطی.

۱۲- فعال کردن ویژگی انتخاب گری ؛ به نحوی که به این نکته ی مهم اعتقاد عملکردی داشته باشد که :

انسان موجودی مختار و مسئول بوده ؛ و آزاد در انتخاب آفریده شده است. و این ویژگی از جمله مهمترین ویژگی های فطری او محسوب می گردد. و تقویت این ویژگی موجب رشد و تعالی و افزایش خلاقیت گردیده ؛ و انسان را بعنوان ارزشیاب وحلال مسائل پرورش داده ؛ و جهت رسیدن به مرحله خودیابی هدایت می نماید .

۱۳- ارتقاء کمی و کیفی فرایند تعاملی و رسیدن به تفاهم ؛ در فهمیدن و فهماندن افکار و عواطف توسط خود ویا دیگران ؛ و در نتیجه استفاده از تمامی مجموعه های لفظی و غیر لفظی زبان (بصورت های آموختنی، اشاره ای ، علامتی ، ویا ناآموخته " طبیعی ") مناسب شئونات انسانی.

در حقیقت:

- این زبان است که انتقال دانش و فرهنگ از طریق آن صورت می پذیرد .

-این زبان است که اگر توام باتفکر ، تجزیه و تحلیل و تعلیل باز شود موجب جلب اعتماد گردیده ؛ و موجب تغییر در جامعه می گردد. و اگر توام با عمل باشد؛ بازتاب گسترده ای خواهد داشت. و شخص را در رسیدن به اهداف خود (که همانا تغییر جامعه متناسب با تفکر و فرهنگ و عقاید درونی شده ی خود می باشد) یاری می نماید .

-چهره ی بشاش ، و لب خندان ، و

-عملکردی صحیح توام با لفظی شیوا و زیبا و باصراحت ؛

از جمله نیازهای جامعه ی انسانی تلقی گردیده و

-خشونت و بد دهنی و

-انتظارات دریافت و عملکردی نمودن فرهنگ ارائه شده بدون تامل و ارزشیابی و انتخاب آن هم از طریق تعامل یکطرفه (القاء) ؛

موجب طرد و انزوای فرهنگ و ارائه دهنده ی آن می گردد.

-آزادی بیان توام با آزادی اندیشه ؛ برای خود وسایر افراد جامعه ؛ موجب رشد و تعالی آن جامعه خواهد گردید .

-اندازه گیری ، نقد ، و ارزشیابی مناسب ؛ جهت رشد فرد و جامعه ضروری است .

-انتقاد پذیری و نگاه منتقدانه ؛ بدور از اغراض شخصی ؛ از جمله مراتب رشد جامعه ی انسانی محسوب می گردد.

-غیبت و تهمت و بیان نامطبوع ؛ مو جب اضمحلال و انحطاط شخص و در نتیجه جامعه می گردد .

۱۴-ایجاد انگیزش متناسب با محرک های نشئت گرفته از اذان ؛ در جهت تامین نیازهای مادی و معنوی ؛ بنحوی که حقوق حقه ی جامعه ی انسانی پایمال نگردیده ؛ و حرکت منطقی متناسب با اصول انسانی ؛ در جهت تامین نیازهای ناشی از انگیزش صورت پذیرد .

در حقیقت این نیازهای انسانی است که موجب پیدایش انگیزش ؛ و در نتیجه حرکت در راه رسیدن به هدف را بدنبال دارد .

نیازهای انسانی که موجب ایجاد انگیزش و حرکت او می گردد را می توان به ترتیب زیر دانست ؛ که رسیدن به هرمرحله مستلزم پیمودن مراحل قبل می باشد :

الف – نیازهای جسمانی مانند : خوراک ، پوشاک ، مسکن ، وسیله ی نقلیه ، تفریح و امکانات ورزشی ، امکانات بهداشتی مرتبط با سلامت جسمی و روحی و اجتماعی ، نیازهای رفاهی ، نیازهای جنسی ، و.......

ب - نیازهای امنیتی مانند : امنیت جانی ، امنیت شغلی ، امنیت در اندیشه آزاد و بیان آزاد و .....

ج – نیاز به محبت و دلبستگی : عاشق شدن و یا عاشق بودن (عاشق پیشگی) و.....

د - نیاز به یادگیری خصوصا" یادگیری فعال (دریافت توام با تفکر ،ارزشیابی و انتخاب) که تعامل اندیشه ای نامیده می شود .

ه – عزت نفس .

و – خودیابی .

۱۵-ارتقاء کمی و کیفی نیروی مشاهده : دیدن و لمس کردن موجب احساس نیاز؛ ودر نتیجه ایجاد انگیزش جهت رسیدن به آن نیاز می گردد .

همچنین عشق توام با شناخت ؛ موجب تقویت انگیزش برای حرکت ؛ در رسیدن به هدف می گردد.

و نیز اینکه ایجاد انگیزش در جهت تغییر در صورتی ایجاد می گردد که بین اطلاعات ارائه شده وعقاید و افکار و دانش قبلی انسان پیوند برقرار گردد .

حواس پنج گانه ی انسان با سایر حیوانات متفاوت است .این تفاوت از نظر عملکرد و استفاده از این حواس می باشد.

انسان در تماس با عوامل مختلف محیطی (محیط های فیزیکی – اجتماعی – اقتصادی - سیاسی – فرهنگی – عقیدتی و...) توسط دریافت کننده های حسی فاکتورهای لمس شده را در ذهن خود تجزیه و تحلیل و تعلیل نموده و نسبت به ثبت و نگهداری آن اقدام نموده تا در مواقع ضرور از آنها استفاده نماید .

نیروی مشاهده بعنوان پایه و اساس و زیربنای شکل گیری شخصیت انسان محسوب می گردد .

مشاهده ی طبیعت و تجزیه و تعلیل اجزاء تشکیل دهنده ی آن و عملکرد آنان - انسان را در جهت رسیدن به مرحله ی خویابی و در نتیجه حرکت در جهت " اکبر شدن " یاری می نماید .

مشاهده ی عملکردی اجزاء تشکیل دهنده ی انسان و تجزیه و تحلیل مشاهده شده ها نیز جهت زندگی فردی و اجتماعی یکی از فاکتورهای مهم دستیابی به مرحله ی خودیابی و نتیجتا" حرکت در فرآیند رسیدن به مفهوم "اکبر" می باشد .بعنوان مثال :

بررسی عملکردی دستگاه گردش خون در تغذیه سلول ها ی بدن و

بررسی عملکرد ی دستگاه تنفسی در تامین اکسیژن مورد نیازسلول ها و دفع دی اکسید کربن تولیدی و

دستگاه ادراری (کلیه ها) با عملکرد گندزدایی و دفع سموم ناشی از متابولیسم سلولی و

ارتباط میان سلول های موجود در این دستگاه ها با خود و با سایر سلولهای موجود در بدن بر اساس عدالت محوری با حفظ استقلال عملکردی - نحوه و چگونگی حرکت در فرآیند زندگی را در راستای تحقق اهداف اقتصادی – اجتماعی – سیاسی – فرهنگی – عقیدتی و.... را به مشاهده گر نشان می دهد.

در بررسی عملکردی گیاهان سبز و درختان میوه نیز می توان این موضوع را مشاهده کرد که چگونه با استفاده از عمل فتوسنتز از دی اکسیدکربن و گاز ازت موجود در هوا در مجاورت اشعه ی ماوراء بنفش خورشید اسیدهای آمینه ی گیاهی و در نتیجه پروتئین گیاهی و ویتامین ها ی مورد نیاز انسان و حیوانات را تولید نموده و خدمت رسانی آنان بصورت صادقانه و به دور از ریا و تزویر می باشد.

همانطوری که گیاهان جهت فرآیند رشد و تولید به اشعه ی ماوراء خورشید جهت استفاده از گاز ازت موجود در هوا نیازمند است انسان نیز نیازمند دریافت های توام با عملکرد متناسب با فرهنگ ارائه شده می باشد تا بتواند در انتخاب فرهنگ متناسب با ویژگی های انسانی خود اقدام نموده و در جهت درونی کردن و عملکردی نمودن آن اقدام نموده و از آن در جهت رشد و تعالی خود و جامعه ی تحت پوشش در راستای یک زندگی انسانی استفاده نماید .

با بررسی پیوند هیدروژنی موجود در آب و ارتباط میان مولکولهای آب که همگنی و پیوند ناگسستنی میان آنان را نشان می دهد می توان نوع زندگی اجتماعی و نحوه ی ارتباط میان افراد جامعه را تعیین نمود و از آن در جهت حرکت در مسیر "اکبرشدن" استفاده نمود.

همچنین با بررسی پیوند میان اجزاء تشکیل دهنده ی مولکولها و نحوه ی تعامل و دادو ستدهای الکترونی و پایدار کردن همدیگر به صورت انتقال کامل الکترونی و یا به اشتراک گذاشتن الکترون و وجود انصاف و عدالت در این فرآیند می توان خط مشی های اقتصادی – اجتماعی – سیاسی – فرهنگی – عقیدتی و...راتبیین نمود .

انسان نیز همانند فرانسیم(Fr) می بایستی دهنده ی خوب و همانند فلوئور(F) می بایستی گیرنده ی خوبی بوده و این گیرندگی و دهندگی می بایستی توام با عدالت در تمامی زمینه های اقتصادی – اجتماعی – سیاسی – فرهنگی – عقیدتی و... بوده و صورت پذیرد . در اینجاست که آزادی بیان و عقیده معنا و مفهوم واقعی خود را نمایان نموده و تشکیل یک فرهنگ پویا و خلاق را به دنبال خواهد داشت .

۱۵–فعال کردن سازگاری مثبت (زندگی) :

سازگاری بر دو نوع می باشد که تحت عنوان سازگاری مثبت و سازگاری منفی از آن نام برده می شود .

در سازگاری مثبت شخص می کوشد محیط را به رنگ و شکل مطلوب خود درآورد و به این منظور تغییراتی در آن بدهد. این تغییرات شامل تغییرات فرهنگی (اقتصادی – اجتماعی – سیاسی – فرهنگی – عقیدتی و...) می باشد.

در تغییرات فرهنگی، عوامل مختلف تشکیل دهنده ی فرهنگ جامعه ی خودی در قیاس با فرهنگ های جوامع دیگر مورد تجزیه و تحلیل و تعلیل قرار گرفته و سنجش و ارزیابی می گردد و.با انتخاب عوامل تشکیل دهنده ی فرهنگ به صورت مستقل و یا ترکیبی نسبت به تشکیل یک فرهنگ پایدار اقدام نموده و فرهنگ خود را ساخته و آنرا عملکردی نموده و به آن عینیت می بخشد.همچنین در این مرحله فرهنگ سازی صورت می پذیرد.

در سازگاری مثبت فرد منتظر نمی ماند تا دیگران برای او صندلی را فراهم نمایند تا او روی آن بنشیند . بلکه خود حرکت نموده و بدنبال فراهم نمودن صندلی و جایگاه خود می گردد و با تمام توان نسبت به تامین نیازهای مادی و معنوی خود بر اساس عدالت محوری و رعایت حقوق حقه ی دیگران اقدام می نماید .

تقویت این ویژگی موجب رشد و تعالی انسان گردیده و او را به مرحله ی خودیابی (اکبرشدن) یاری نموده و جامعه ای پویا و با فرهنگی پایدار و مولد را بدنبال خواهد داشت .

در سازگاری مثبت تقلید توام با تفکر و ارزشیابی و انتخاب مهمترین روش یادگیری و یاددهی فعال – با دوام و با ثبات برای فرد و جامعه تلقی گردیده و نتیجتا" ارزش واقعی انسان را که همانا مولد بودن و خلاقیت است نمایانگر می سازد .

تقویت این ویژگی در انسان اورا از بسیاری از پلیدیهای ذهنی و عملکردی اعم از پلیدیهای اقتصادی – پلیدیهای اجتماعی – پلیدیهای سیاسی – پلیدیهای فرهنگی و عقیدتی و...دور نموده و موجب کاهش چشمگیر مشکلات روحی روانی گردیده و از ناهنجاریهای اجتماعی همانند ظلم و ستم (اعم از فاعل بودن و یا مفعول بودن ان)- فساد و فحشاء – خودکشی و دیگرکشی – اعتیاد و فقر و... جلوگیری نموده و دور سازد .

در سازگاری مثبت است که تعامل و گفتگوی فرهنگها و تمدنها معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می نمایند .

در سازگاری مثبت است که تفکر انتزاعی جایگزین تفکر عینی گردیده و فرد و جامعه را بدنبال علتها می کشاند و نه بدنبال معلولها و پاسخها .

در سازگاری مثبت است که روحیه ی پژوهشگری و پرسشگری در فرد و اجتماع تقویت شده و فرد و اجتماع را در جهت اصلاح و تغییر حرکت می دهد.و توانهای بالقوه ی فکری و جسمی آنانرا به توانهای بالفعل تبدیل می نماید .

در سازگاری مثبت است که فرد و در نتیجه جامعه سکوت را جایز ندانسته و ابراز عقیده و احساسات نموده و در جهت انتقال تفکرات – ذهنیت – دانش و فرهنگ خود از هیچ تلاشی دریغ نمی نماید .

در سازگاری مثبت است که تفکر واگرا (روحیه نقادی و انتقادی) جایگزین تفکر همگرا (همسو بودن صرف با فرهنگ عینیت یافته) گردیده و موجبات رشد وتعالی فردی و اجتماعی را به ارمغان می آورد .

سازگاری منفی (سازش) :

در این نوع سازگاری شخص خود را با وضع موجود محیط هماهنگ و همرنگ می کند .

در سازگاری منفی مشاهده ی ویژگی هایی مانند : تسلیم بی چون چرا – پذیرش عقاید دیگران بدون انجام فرایند تفکر و ارزشیابی و انتخاب – در انتظار فراهم شدن امکانات نشستن توسط دیگران برای او – وابسته بودن و عدم توانایی در استقلال فکری و شخصیتی و عقیدتی – عدم احساس مسئولیت در مقابل اجتماع – عدم وجود انگیزش برای حرکت مولد – تغییر قیافه و تغییر رنگ دادن ظاهری و باطنی با توجه به موقعیتهای بدست آمده در حال حاضر (چند شخصیتی بودن و عدم وجود ثبات شخصیتی) – تملق و چاپلوسی برای رسیدن به اهداف خاص در جهت تامین امکانات نشستن خود توسط دیگران (تعیین موقعیت های شغلی –مدیریتی - سیاسی – اجتماعی و....) – اعتقاد و استفاده ی مکرر از دروغ مصلحت آمیز جهت نیل به اهداف خود و رسیدن به وضع مطلوب مورد نظر- و در نهایت انگلی زیستن و دوری جستن از عملکردی نمودن مفهوم واقعی زندگی و...مشاهده گردیده و شخص و بالطبع اجتماع را از تفکر انتزاعی دور نموده و در مرحله ی تفکر عینی نگه داشته و از بروز خلاقیت مولد دور می نماید .

انتظار معجزه ی بدون حرکت – انتظار برآورده شدن حاجات با دعای بدون عمل و حرکت – عبادت و اقامه ی نماز بدون توجه به اثرات تربیتی آن (و تنها بصورت لقلقه ی زبان و به لحاظ وارد شدن به بهشت و ادای دستورات الهی) و...از جمله ویژگی های تقویت شده و رشد یافته در انسان امروزی و جامعه ی امروزی می باشد.

در این وضعیت تهاجم فرهنگی جایگزین تعامل فرهنگی گردیده و براحتی خصوصا" از طریق وسایل ارتباط جمعی (ماهواره و...) فرهنگ عملکردی جامعه ای را که روحیه ی سازگاری منفی در آن حاکم می باشد را تغییر داده و الگوهای نامناسب با فرهنگ عینیت یافته را جایگزین آنان نماید .

همچنین در سازگاری منفی جایگزینی ضد ارزشها بجای ارزشها و نیز و به باد فراموشی سپردن ارزشهای نشئت گرفته از ویژگی های فطری انسانی الهی نماد عینی جامعه گردیده و تغییر وضعیت ظاهری افراد جامعه از نظر مو – پوشش – و نوع و نحوه ی زندگی کردن متناسب با مد و مدلهای ارائه شده از سوی سایر فرهنگ ها در جامعه ای که روحیه ی سازش در آن حاکم باشد کاملا" مشهود می باشد.

در صورتی که در جامعه ای که روحیه ی سازگاری مثبت در ان حاکم می باشد با موضوع تعامل فرهنگی برخورد منطقی و عقلانی صورت گرفته و با تاثیرگذاری متقابل بر فرهنگ یگدیگر نسبت به دریافت و درونی نمودن جنبه های مثبت فرهنگ های در معرض دریافت قرار داده شده که تطابق با اصول و ویژگی های فطری انسانی داشته و او را به سمت خودیابی و رسیدن به اوج قدرت انسانی که همان خلاقیت باشد هدایت نماید- اقدام می نماید . در چنین فرهنگی تهاجم فرهنگی معنایی نداشته و به جای استفاده از آن – مفهوم تعامل فرهنگی بکار می رود .

۱۶-اعتقاد و نظر : اعتقاد از طریق دانش و تجربه اندوزی و تعامل با محیط اجتماعی فرهنگی حاصل گردیده و درونی می گردد که منجر به ارائه ی نظریه خاص در درون انسان خواهد شد .

هر چقدر فرهنگ ارائه شده مستدل تر و منطقی تر باشد اعتقاد درونی تر و عمقی تر خواهد شد .

در زمینه ی مذهب نیز همینگونه است . اعتقادات مذهبی که بصورت سطحی و بدور از تطابق با نیازهای فطری انسانی و تنها بر اساس ثواب اخروی مطرح می گردد درونی شدن و عملکردی شدن آن بعید به نظر می رسد .

در مسائل سیاسی- اقتصادی – اجتماعی و....نیز همین قانون صادق است .

دین و قوانین الهی یک نیاز بشری است که با توجه به ان نیاز – فرد و جامعه بسوی ان گرایش پیدا می نمایند.

اگر دین در جهت رفع نیازهای فطری انسانی و متناسب با توان انسان ارائه نگردد نه تنها عملکردی و منطقی و در نهایت درونی نخواهد شد بلکه اثار سوء

آن بعنوان یک سم مهلک تلقی کردیده و منجر به از دست دادن جذابیت دین نیز خواهد گردید .

اذان میبایستی موجب تقویت این ویژگی در فرد و جامعه گردد تا بتوان در مسیر رسیدن به مفهوم "اکبر شدن" گام برداشت .

آزادی اندیشه و آزادی بیان و یا بعبارت دیگر اندیشه ی آزاد و بیان آزاد دو ویژگی مهم در ارتقاء انسان و رشد او به شمار آمده و جامعه ای سالم به حساب می آید که در جهت تقویت و رشد این دو ویژگی گام بردارد.

گام برداشتن در این راستا – توسعه و رشد اقتصادی – اجتماعی سیاسی – فرهنگی عقیدتی و... را بدنبال خواهد داشت و جامعه را مولد وپویا می سازد.

در اینگونه جوامع سکوت معنا ومفهومی نداشته و تعهد در قبال اندیشه ی آزاد و بیان آزاد را در فرد و جامعه ایجاد و تقویت می گردد.

۱۷-تمدن و فرهنگ : فرهنگ عبارتست از نظامها و معیارهایی است که "زندگی" معنوی و یا روحی جماعتی را تشکیل داده و آن را مشخص می کنند .ولی تمدن به مظاهر مادی و مکانیکی زندگی انسان اطلاق می شود .

نظامها و معیارهایی که با ویژگی های فطری انسان مطابقت داشته باشد مستحکم بوده و کمتر در معرض تهاجمات فرهنگی قرار می گیرد.همچنین ناهنجاری های فردی و اجتماعی کمتر مشاهده می شود و حرکت جامعه بصورت منطقی و متناسب با اصول انسانی صورت می پذیرد .

در این نظام ها تنش های فردی و اجتماعی بطور محسوسی کاهش یافته و سیر نزولی پیدا نموده و مولد بودن فردی و اجتماعی از آثار چنین فرهنگی است.

تمدن برخاسته از این فرهنگ نیز متناسب با نیازهای روز افراد جامعه بوده و موجب پیدایش انسان متمدن و فرهیخته ی زمان خود می گردد.

افکار و اعتقادات مذهبی نیزمتناسب با نیازهای روز قابل تعبیر و تفسیر بوده و مانع توقف انسان و جامعه در یک جایگاه ساکن و متوقف و بدور از حرکت می گردد.

گام برداشتن در فرآیند تشکیل فرهنگ و تمدن متناسب با ویژگی ها و نیازهای فطری انسان مطمئنا" حرکت در مسیر رسیدن به مفهوم "اکبر شدن" می باشد.

اذان این ویژگی را می بایستی در موذن بیدار و تقویت نماید تا موذن بصورت پویا و خلاق در در فرهنگ سازی فرهنگی پویا گام بردارد .

۱۸-اندیشه نمادی: انسان تنها موجودی است که می تواند اندیشه های خود را بصورت نمادهای عینی در معرض دید همگان قرار دهد.

نمادهای عینی بصورت مکتوبات و یا تمدن خود را نمایان می سازد.انسان با شناسایی – اندازه گیری و ارزشیابی عوامل مختلف زیست محیطی – اجتماعی – اقتصادی – فرهنگی و....قدرت پیش بینی را از خود نشان داده و از عوامل مزاحم و زیان آوری که موجب ایجاد مزاحمت و زیان برای او و جامعه اش می شود

پیشگیری نموده و در صورت وقوع حادثه و یا بلا۔ (اعم از بلایای طبیعی و غیر طبیعی – اقتصادی – اجتماعی – سیاسی- فرهنگی و عقیدتی و.........) عملیات نجات بخش را انجام داده و صدمات و لطمات حاصله را به حداقل برساند.

انسان دارای ایدئولوژی خاص خودش می باشد که متناسب با روحیات خاص او انتخاب شده است .ایدئولوژی انتخابی را از طریق تعامل با جامعه ویا با جوامع مختلف کسب نموده است.در صورتیکه کسب ان بصورت یکطرفه و در یک محیط اجتماعی- فرهنگی یکطرفه ویا بعبارت دقیقتر بسته صورت پذیرد ایدئولوژی دریافتی سطحی بوده و کمتر بصورت عملکردی در می آید .همچنین آسیب پذیری آن فوق العاده زیاد می باشد .

ولی اگر کسب و دریافت ایدئولوژی از طریق شناخت و ارزشیابی میان ایدئولوژی های مختلف موجود در جوامع مختلف و بصورت ازادانه صورت پذیرد – ایدئولوژی دریافتی عمقی بوده و بصورت عملکردی به خود عینیت بخشیده و خود را نمایان می سازد.

مقاومت چنین فرهنگی در مقابل دگر فرهنگ های در معرض دید بسیار بالا بوده و آسیب پذیری آن فوق العاده پایین ، و در نتیجه در رقابت های دریافتی از توان رقابتی بالایی برخوردار است .

اذان در حقیقت موجب رشد و تقویت ویژگی های فوق در انسان گردیده و سلامت فردی و اجتماعی ، اقتصادی،سیاسی،فرهنگی و عقیدتی و .....را در پی دارد.

به هر حال موذن می بایستی در جهت ایجاد ، رشد و تقویت اصول انسانی مرتبت با هدف اصلی خلقت انسانی گام برداشته و در این راستا حرکت نماید تا بتواند مدعی حرکت در جهت پذیرش فرهنگ الهی بوده و از حضرت حق تقاضای برقراری ارتباط نمود.

اقامه

پس از بازیافت و تقویت ویژگی های فطری نشأت گرفته از مفاهیم مرتبط با مقدمات و ارکان نماز و نیز مفاهیم مندرج در اذان ، که بصورت الگوهای عملکردی ذهنی – حرکتی در کلیه ی سطوح اقتصادی ، اجتماعی،سیاسی، فرهنگی و عقیدتی تبدیل گردیده است انسان نمازگزار اقدام به بیان مفاهیم مندرج در " اقامه " می نماید.

بیان اقامه در حقیقت تایید و تاکید بر عملکردی نمودن مفاهیم مندرج در اذان و فرآیندهای قبل از آن ، رعایت و عملکردی نمودن تطهیر(وضو ، غسل ، تیمم) در کلیه ی سطوح مرتبط با فرآیند زندگی ، رعایت اصول مرتبط با مکان و زمان و ...بوده و مجددا" مفاهیم موجود در اذان جهت تعیین اذن دخول و برقراری پیوند و ارتباط با خالق تکرار و تجدید عهد می گردد .

مضافا" اینکه مفهوم " قد قامت الصلاه " نیز بصورت تاکیدی بر عملکردی نمودن فردی و اجتماعی فرهنگ نماز بیان ، و مورد تایید گوینده جهت حرکت مولد در راستای عملکردی نمودن آن قرار می گیرد .

بیان مفهوم " قد قامت الصلاه " ضمن تایید و تاکید بر تعهد انجام فرآیندهای قبلی مندرج در اقامه ، تایید و تاکیدی برای رسیدن به فرآورده یعنی همان " لا اله الی الله " و کنار گذاشتن و حذف کلیه ی فرآورده های غیر از آن می باشد ، به نحوی که گوینده در فرآیند زندگی ، فرآورده های بجز او نبیند و بجز او دنبال هیچ فرآورده ی دیگری نگردیده و الگوهای حرکتی زندگی خود را بر اساس آن تنظیم و در ان راستا به حرکت و فعالیت مولد و سازنده ی خود ادامه داده تا به مرحله ی خودیابی رسیده و در جهت تغییر و اصلاح " خود " و جامعه ی تحت پوشش خود گام برداشته ، به نحوی که جامعه ای ایمن ، پویا ، و خلاق را بعنوان یک استراتژی منظور نموده و زیبا نگریستن و زیبا زندگی کردن ،دریافت زیبا و ارزشیابی عادلانه و تفکر خلاق و...را بعنوان الگوهای حرکتی قلمداد نماید.

بیداری " خود " و " جامعه " و جلوگیری از خواب آلودگی و یا به خواب زدن "خود " و " جامعه " را بعنوان یک اصل با ارزش در راه رسیدن به فرآورده ی مورد نظرتلقی نموده و ارتباطات تعاملی عاذلانه را پیشه ی راه خود گرداند.

از خروج گازهای روده ای که موجب ابطال وضو می گردد بعنوان یک الگوی عملکردی ذهنی – حرکتی در کلیه ی سطوح اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ، فرهنگی ،عقیدتی و........استفاده نموده و در راستای جلوگیری از آلودگی فرهنگ های مذکور به حرکت موثرو خلاقانه ی خود عینیت بخشد.

همچنین بیان این مفهوم می بایستی گند زدایی فرآیندهای حرکتی نشأت گرفته از فرآیندهای ذهنی فردی و اجتماعی را که شامل فرآیندهای دیداری ، شنیداری، گفتاری ،بویایی ،لامسه ای،خوراکی و.....می باشد را مورد تایید و تاکید قرار داده و روحیه ی تعادلی و عدالت جویی و عدالت پروری را در این فرآیند ها حاکم نماید.

پوشش گرگی،خرسی،شیری،روباهی،سگی ،ماری و........ در عملکرد و ارائه و انتقال فرهنگ های درونی شده ی "خود" را از تن خارج نموده وپوشش انسانی الهی در بر قراری ارتباطات تعاملی براساس عدالت محوری به تن کند ونسبت به ارائه ی تعاملی و ترویج تعاملی این فرهنگ اقدام نماید.

الگوهای حرکتی در تدوین ،تصویب و اجرای قوانین را در مسیر حرکتی انسانی الهی قرار داده ، و تخطی از آن را مجاز ندانسته و نسبت به اشاعه ی ارائه ی آن کوشش نماید .

خود کشی ویا دیگرکشی اعم از خود کشی ویادیگرکشی جسمانی ، خود کشی ویادیگرکشی تفکری (تفکر همگرایی صرف و یا بعبارت دیگر تقلید بدون تامل و ارزشیابی و انتخاب –و نتیجتا" دوری جستن از تفکر واگرایی و روحیه ی

نقادی و انتقادی)،خود کشی ویادیگرکشی اقتصادی (غرق شدن در منجلاب خود خواهی و کسب درآمدهای نامشروع از طرق مختلفی که موجب ضربه زدن به اقتصاد دیگر انسان ها و در نتیجه جامعه می گردد.) ،خودکشی و یا دیگرکشی اجتماعی (استفاده از الگوهای رفتاری و یا بعبارت دقیقتر عملکردی نامتناسب با اصول انسانی در تبیین و تعیین مفاهیم مرتبط با زندگی اجتماعی و مسائل مرتبط با آن) ،خودکشی و یا دیگرکشی سیاسی (خود محوری و اتخاذ تدابیر و استفاده از رویکردهای ذهنی خود در تدوین و تصویب قوانین و اداره ی جامعه بدون در نظر گرفتن نیازها و خواست آحاد جامعه و توجه به آن) ، خود کشی ویا دیگر کشی عقیدتی (دریافت ها و درونی کردن ها و عملکردی نمودن های بدون تفکر و ارزشیابی انتخاب اگاهانه – و نیز خود محوری صرف در انتقال مفاهیم درونی شده ی"خود" به دیگران بدون در نظرداشتن حق ابراز عقیده ی طرف مقابل و رعایت عدالت تعاملی) و...را مطرود و ممنوع دانسته و نسبت به ترویج این فرهنگ در کلیه ی محیط های مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی اقدام نموده و از قد قامت الصلاه بعنوان الگوی حرکتی مناسب در عینیت بخشیدن به آنها یاری جوید.

بنابراین :بیان کننده ی این مفهوم می بایستی روحیه ی خودکشی و دیگرکشی (تضییع حق و اعمال ظلم) را از تفکر خود دور نموده و مودت و دوستی و گذشت و ایثار را جایگزین آن نماید.در این راستا باند بازی و رانت خواری ارزش خود را از دست داده و و به حرکت مولد و خلاقانه ی توام با عدالت تبدیل می گردد .

تطهیر دستجمعی در نمازهای جماعت را بعنوان یکی از مهمترین اهداف واسطه ای در فرآیند نیل به هدف اصلی قلمداد نموده و حرکت خود و جامعهِ تحت پوشش خود را در این مسیر تنظیم نموده ، تا بتواند بار ارزشی حرکت دستجمعی را در مسیر زندگی و در نتیجه در مسیر رسیدن به هدف اصلی و ایجاد جامعه ای ایمن ، پویا و خلاق و بدور از وابستگی مطلق اقتصادی ،سیاسی ، اجتماعی ،فرهنگی ، عقیدتی و.....افزایش و ارتقاء بخشیده که نهایتا منجر به جامعه ای ایمن و سالم گردد.

نتیجه اینکه بیان مفهوم " قد قامت االصلاه "می بایستی تایید کننده ی عینی عملکردهای نشأت گرفته از مفاهیم مندرج در مراحل قبل موجود در اقامه ، اذان ، مقدمات نماز ، تطهیر و.....بوده تا ضمن یاداوری وتقویت تحکیم این مفاهیم بصورت عملکرد عینی ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی ، تاییدکننده ی سازندگی مفاهیم مذکور در فرآیند زندگی انسانی باشیم .

اکنون جهت تامل و تفکر بیشتر و پیدایش راه حل های مناسب الهی –انسانی و نیز یاداوری پرسش های مطرح شده ی قبلی ،چند سوال زیر را مطرح می نماییم که انشاء الله دریافت کننده بتواند با تجزیه و تحلیل و تعلیل نسبت به تعیین الگوهای

ذهنی – حرکتی خود در ارتباط با زندگی فردی و اجتماعی اقدام نموده و در این راستا حرکت نماید.

۱-ایا بیان این مفهوم نمی بایستی بیانگر بازیافت و تقویت ویژگی های فطری مرتبط با مفهوم " بسم الله " در " بسم الله الرحمن الرحیم " باشد ؟ و آیا بدون بازیافت ، رشد و تقویت مفهوم " بسم الله " در" خود " که در حقیقت مجموعه ای از" خودهای " اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و...بوده ، ومحیط های مرتبط (محیط زیست ، محیط اقتصادی ، محیط اجتماعی ، محیط سیاسی ، محیط فرهنگی ، محیط عقیدتی و....) می تواند سازنده و تقویت کننده ی سلامت ویژگی های فطری وابسته به مفهوم بسم الله تلقی گردد ؟ و آیا در اینصورت لقلقه ی زبان کردن مفهوم " قد قامت الصلاه " گناه و جرم محسوب نمی گردد ؟

۲-آیا بیان مفهوم " قد قامت الصلاه " نمی بایستی تایید کننده ی عملکردهای نشأت گرفته از مفهوم " الرحمن الرحیم " موجود در " بسم الله الرحمن الرحیم " بر اساس حق و عدل باشد ؟ و آیا بدون توجه به عملکردی نمودن آن بیان این مفهوم بیان تمسخر آمیز و توهین آمیزی نمی تواند باشد ؟

۳-آیا بیان مفهوم " قد قامت الصلاه " نمی بایستی عینی نمودن عملکرد های ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی مرتبط با مقدمات نماز را مشهود سازد ؟ وآیا عدم ملموس ساختن تغییر در عملکرد های ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی در کلیه ی سطوح اقتصادی ، اجتماعی،سیاسی، فرهنگی ، عقیدتی و...کاهش دهنده ی نقش اهمیت و ارزش نماز در زندگی فردی واجتماعی نیست ؟

۴-آیا بدون رعایت کردن مفاد عهدنامه ی موجود در تعریف نماز می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟ و آیا این ادعا ، ادعای پوچ و تو خالی و منافق گونه نیست ؟

۵-آیا بیان مفهوم " قد قامت الصلاه " بدون به حقیقت پیوستن مفهوم " نیت " در فرآیند تولید یک فرآورده (انسان) می تواند معنایی داشته باشد ؟

۶-آیا بدون عملکردی نمودن مفاهیم " تطهیر" ، " غسل " ، " وضو " ،" تیمم" درکلیه ی شئونات فردی و اجتماعی و نهایتا" گام برداشتن در فرآیند گندزدایی و تطهیر فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، زیست محیطی و....که در زمره ی مقدمات واجب و ضروری اقامه ی نماز می باشد ، می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟ و آیا چنین ادعایی پوچ و فاقد بار ارزشی نیست ؟

۷-آیا بدون رعایت سلسله مراتب تطهیری در ساختار وضو ویا غسل در فرد ومحیط های اقتصادی ، اجتماعی،سیاسی، فرهنگی ، عقیدتی ، زیست

محیطی و...... و عملکردهای هر یک می توان ، ادعای عینیت یافتن مفهوم " قد قامت الصلاه " نمود ؟

۸-آیا بدون رعایت سلسله مراتب تطهیری در عملکرد مدیریتی و حرکتی انسان بصورت فردی و اجتماعی ودرکلیه ی سطوح فرهنگی مرتبط می توان مدعی عینیت یافتن مفهوم " قد قامت الصلاه " شد ؟ و آیا می توان نسبت به ارائه و انتظاراشاعه و نهایتا" پذیرش این مفهوم امید بست ؟

۹-آیا بدون گندزدایی و تطهیردر فرآیند های دیدن ، شنیدن ، بوییدن ، لمس کردن ، چشیدن در زندگی فردی و اجتماعی که در زمره ی موارد مد نظر داشته در نیت وضو ، غسل ویا تیمم قلمداد می گردد ، می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟ و آیا چنین ادعایی ،ادعای معقول و منطقی و محکمه پسندی در درگاه الهی است ؟

۱۰-آیا بدون اطمینان حاصل کردن از گندزدایی فرآیند ارزشیابی و انتخاب فرهنگ های در معرض قرار گرفته که در نتیجه ی آن بی بند و باری در عینیت یافتن فرهنگ را حاصل می گردد ،می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟

۱۱- آیا بدون گندزدایی فرآیند های دیدن ویا شنیدن که موجب هتک حرمت و یا ایجاد اختلال در نظام های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، زیست محیطی و... فردی و اجتماعی می گردد ، بیان مفهوم " قد قامت الصلاه " می تواند معنایی داشته باشد ؟

۱۲-آیا بدون توجه به فرایند خوردن و تامیین انرژی مورد نیاز جهت حیات و حرکت " زندگی" ، از نقطه نظر نحوه و منبع تامین ،تولید ، طبخ و.......(حلال و حرام) می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟

۱۳- آیا می توان در حالت خواب (خواب غفلت- خود رابه خواب زدن و یا دیگران را در حالت خواب نگاه داشتن) ، مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟ و آیا بیان این مفهوم که مستلزم عملکردی نمودن آن در کلیه سطوح اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، زیست محیطی و...است مستلزم شرط بیداری خود و جامعه ی تحت پوشش نیست ؟

۱۴-آیا با مثانه های پر از ادرار و روده های پر از مدفوع و نیازمند تخلیه ی فوری ، و یا پوشش آلوده و جایگاهی نجس می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟

۱۵- آیا همانند خروج گازهای روده ای (مبطلات وضو) ،با عدم جلوگیری از آلایندهای محیطی (شامل: محیط های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ،

فرهنگی ، عقیدتی ، زیست محیطی و...) می توان به حق مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟

۱۶- آیا با خود کشی و یا دیگرکشی در کلیه ی شئونات زندگی فردی و اجتماعی می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟

۱۷- آیا با اتخاذ سیاست های نادرست اقتصادی از قبیل احتکار و گرانفروشی ،رابطه گرایی و کسب درآمدهای هنگفت و نامشروع که موجب ازهم گسیختگی نظام اقتصادی فردی و اجتماعی می گردد ، ادعای " قد قامت الصلاه " جایگاهی دارد ؟

۱۸- آیا بدون توجه به عملکردی نمودن مبطلات وضو و تعمیم آن در کلیه ی رفتارهای فردی و اجتماعی (رفتارهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، زیست محیطی و...) می توان مدعی " قد قامت الصلاه" شد ؟ وآیا بدون رعایت این عملکرد بصورت جمعی ، بیان مفهوم " قد قامت الصلاه " معنایی پیدا می کند .

۱۹-آیا در یک مکان غصبی ، نجس ، در مسیر عبورو مرور،و یا در مسیر سیلاب و بدون داشتن ایمنی لازم مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟

۲۰-آیا با پوشش غصبی ، نجس و آلوده ،و پوشش های درونی گرگی ، خرسی ، سگی ، روباهی و....در عملکردهای ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی و در رفتارهای رفتارهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، زیست محیطی و... می توان مدعی " قد قامت الصلاه " شد ؟ و آیا چنین ادعایی پوچ و فاقد بار ارزشی نبوده و ادعای تمسخرآمیزی نمی تواند تلقی گردد؟

۲۱- و نهایتا" بدون توجه به عملکردی نمودن مفاهیم موجود در اذان در کلیه ی رفتارهای فردی و اجتماعی می توان ادعای " قد قامت الصلاه " نمود؟

نتیجه گیری:

با تفکر در تجزیه و تحلیل مفاهیم نقد شده ی فوق و ارزشیابی داده ها با عملکردهای ذهنی – حرکتی عینیت یافته ی موجود در فرهنگ عینیت یافته ی فردی و اجتماعی ، می توان دریافت که برقراری ارتباط با خالق هستی مستلزم رعایت اصول و مقدماتی است که :

۱-این اصول موجب ایجاد تغییر در عملکردهای ذهنی-حرکتی در کلیه ی رفتارهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی و...گردیده و این تغییر در راستای رشد و تعالی " خود " و محیط اجتماعی – فرهنگی تحت پوشش" خود" و در مسیر رسیدن به ویژگی های انسانی الهی صورت می پذیرد.

۲-این تغییر موجب تبیین دقیق مفهوم حق بصورت عملکردی گردیده وجایگاه واقعی ان را در محیط های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ،عقیدتی و ...می.گردد .

۳-مفهوم عدالت که در حقیقت اصلی ترین هدف نماز و مقدمات آن می باشد به معنای واقعی و بصورت عینیت یافته در کلیه شئونات زندگی جلوه گر می گردد.

۴-این تغییرموجب ایجاد رابطه ی تعاملی عادلانه در ارتباطات کلامی و عقیدتی و عملکردی بصورتهای ارتباطات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و..... جلوه گر می گردد.

۵-تغییرات ایجاد شده ی فردی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و عقیدتی و... مطمئنا" تشکیل یک جامعه ای ایمن ، سالم وپویا را بدنبال خواهد داشت .

با توجه به موارد فوق :

آیا نمی توان نتیجه گرفت که عملکرد مقدمات نماز همانند عملکرد کلر در فرآیند گندزدایی آب اشامیدنی و تامین آب سالم جهت ادامه ی حیات و جلوگیری از اپیدمی بیماریهای واگیر باشد .

و آیا عدم گند زدایی خود و جامعه ی تحت پوشش تضییع حق الناس محسوب نمی گردد.

آیا نمی توان نتیجه گرفت که عملکرد مقدمات نمازدرخودباوری، خودعاملی ،پویایی و عدم ایستایی ، حیات توام با حرکت ونهایتا در تولید و افزایش بهره وریهای اقتصادی و اجتماعی ،سیاسی و عقیدتی و..... است.

و آیا می توان گفت اقامه ی نماز ورعایت مقدمات ان صرفا" حق الله محسوب گردیده و می تواند مورد عفو حضرت حق قرار گیرد. و آیا وارونه جلوه دادن و ترویج وتبلیغ چنین مفهومی جرم و گناه محسوب نمی گردد " خداوند از حق الله می گذرد ولی از حق الناس نمی گذرد " .

و آیاهای دیگر...

همانطوری که در بررسی عملکرد ذهنی – حرکتی مقدمات نماز ، اذان و اقامه تاکید نمودیم اقامه ی نماز در حقیقت جهت گندزدایی درونی فردی و اجتماعی – و در فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، مدیریتی ، عقیدتی و... مورد استفاده قرار گرفته و صواب آن نیز در تحقق یافتن همین موارد می باشد.

تحقق یافتن این صواب (اجر دنیوی) مطمئنا موجب عینیت یافتن مفهوم ثواب (اجر اخروی) خواهد شد که در غیر اینصورت مفهوم ثواب دیگر وجود خارجی نداشته و معنایی نخواهد داشت.

وجه تشابه ساختاری کلر با ساختار نمازهای یومیه قابل تامل و هماهنگی بین این دو جالب است و به نظر میرسد این وجه تشابه دریافت کننده را به تامل و تفکر در عملکردی نمودن مفاهیم حقیقی موجود در فرهنگ نماز وا می دارد . به همین دلیل ذیلا" به بررسی آن می پردازیم تا انشاء الله منشا اثری در تغییر الگوهای رفتاری فردی و جمعی گردد .

کلر (cl)

کلر عنصر و یا ماده ای است که در گروه هفتم جدول تناوبی (هالوژن ها) قرار گرفته است .

این عنصر دارای عدد اتمی ۱۷است که به معنای داشتن ۱۷ پروتون (با بارالکتریکی مثبت) و ۱۷الکترون (با بارالکتریکی منفی) می باشد.

توزیع الکترون ها در اطراف هسته در سه سطح اصلی و پنج تراز فرعی صورت گرفته است .

درسطح اصلی شماره ی یک ؛ دو الکترون ، در سطح اصلی شماره ی دو ؛ هشت الکترون و در سطح اصلی شماره ی سه ؛ هفت الکترون وجود دارد.

سطوح اصلی شماره های ۲و۳هرکدام دارای دو لایه یا تراز فرعی می باشند که الکترون های سطوح اصلی مرتبط در بین آنها توزیع شده است.

کلر بصورت گازی شکل(خصوصا") و یا با شرکت در ترکیبات مختلف ، به عنوان یک ماده ی گندزدا مورد استفاده قرار می گیرد.

موارد استفاده ی کلر و ترکیبات آن در طبیعت و در فرآیند تصفیه ی آب اشامیدنی ونیز در مبارزه با افت کشها و حشره کشها و....بر عموم کاملا" مشهود است.

درست است که کلر و یا ترکیبات ان بعنوان گندزدا و یا ضدعفونی کننده در بهداشت و سلامت همگانی نقش مهمی را ایفا می کند ولی اگر استفاده از آن بدون توجه به شرایط محیطی ، مقدارمورد نیاز و نحوه ی استفاده صورت پذیرد ،بعنوان یک سم مهلک و کشنده محسوب می گردد.

این بدین معنی است که اگر از لحاظ نوع ، مقدار و نحوه ی استفاده از کلر و یا ترکیبات آن در فرآیند گندزدایی دقت لازمه صورت نپذیرد ، کلر و ترکیبات آن نه تنها در بهسازی و کنترل آلودگی موثر نبوده بلکه بصورت یک سم موجب ایجاد

مسمومیت و در نهایت نابودی انسان و محیط زیست خواهد گردید.

نمازهای یومیه نیز ۱۷ رکعت می باشد که اقامه ی آن می بایستی در سه موقعیت زمانی (تغییروضـعیت مشـهود زمانی وضعیت خورشید) و در پنج نوبت صبح ، ظهر ، عصر ، مغرب و عشا صورت پذیرد.

وجه تشابه ساختاری نمازهای یومیه با آرایش الکترونی اتم کلر و نیز موارد مطروحه در مقدمات ، اذان ، اقامه و نماز کاملا" مشهود می سازد که هدف اقامه ی نماز و رعایت مقدمات و اصول و مندرجات آن را بجز گندزدایی درونی در ارتباط با خود و محیط اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، زیستی و ...... چیز دیگری نمی تواند تلقی گردد.

نمازصبح که در محدوده ی زمانی صبح صادق تا طلوع خورشید می بایستی اقامه گردد ، همانند دو الکترون مدار اول کلر می باشد که تحت تاثیر نیروی جاذبه ی هسته اولین مدار را به خود اختصاص داده و از جایگاه ویژه ای به جهت نزدیکی به هسته (خدا) در بین سایر الکترون ها برخوردار است.

اقامه ی نماز صبح می بایستی انسان را در محدوده ی زمانی صبح تا ظهر در مقابل عوامل بیماریزای موجود در فرهنگ عینیت یافته ی اقتصادی ، اجتماعی ،سیاسی ، عقیدتی ،زیست محیطی و......وخصوصا" رابطه ی تعاملی عادلانه با همنوعان خود در این زمینه هامقاوم ساخته و از او یک انسان مولد و پویا در محدوده ی حرکتی که خالق هستی برای او بعنوان یک انسان تعیین نموده است جهت شروع زندگی و ادامه ی آن در این فاصله ی زمانی بسازد.

اقامه ی نماز ظهر (چهاررکعت) باهدف ارزشیابی عملکردی ذهنی-حرکتی صورت گرفته ای که در هنگام اقامه ی نماز صبح به انجام آن متعهد گردیده است وتعهد اقدام گندزدایی آلاینده های احتمالی موثر بر عملکرد ذهنی -حرکتی انسان که در فاصله ی صبح تاظهر موجب تغییر رفتار ذهنی - حرکتی گردیده است و همچنین بعنوان مرحله ی اول نوبت دوم تلقیح واکسن (مقاوم سازی) جهت ادامه ی فعالیت و پیشگیری از حملات عوامل بیماریزا و تاثیرگذار درعملکرد فرد واجتماع درفاصله ی زمانی بین ظهر تا عصر اقامه می گردد.

اقامه ی نماز عصر (چهاررکعت) نیز همانند نماز ظهر باهدف ارزشیابی عملکردی ذهنی-حرکتی صورت گرفته ای که در هنگام اقامه ی نمازهای صبح و ظهربه انجام ان متعهد گردیده است وتعهد اقدام گند زدایی الاینده های احتمالی موثر بر عملکرد ذهنی -حرکتی انسان که در فاصله ی ظهر تا عصرموجب تغییر رفتار ذهنی - حرکتی گردیده است و همچنین بعنوان مرحله ی دوم نوبت دوم تلقیح واکسن (مقاوم سازی) جهت ادامه ی فعالیت و پیشگیری از حملات عوامل بیماریزا و تاثیرگذاردرعملکرد فرد واجتماع در فاصله ی زمانی بین عصر تا مغرب اقامه می گردد.

نمازهای ظهر و عصر در موقعیت زمانی دوم و در روز ، یعنی زمانیکه خورشید با انرژی نورانی خود مشغول روشنایی بخشیدن به زمین و در نتیجه پیدایش حیات و حرکت و ادامه ی زیست در روی آن می گردد اقامه می گردد.

مجموع رکعت های موجود در نمازهای ظهر و عصر هشت(۸) رکعت می باشد که برابر با تعداد الکترونهای سطح اصلی دوم (مدار دوم) اتم کلر می باشد که در دوتراز فرعی توزیع شده است.

نمازهای مغرب و عشا در موقعیت زمانی سوم یعنی در هنگامی که خورشید مستقیما" تابش نورانی خود را از قسمتی ازاین نیمکره ی زمین حذف نموده و نیمکره ی دیگر را بهره مند می سازد ، اقامه می گردد.

جالب اینجاست که عملکرد خورشید و زمین در تبیین حق بصورت عملکردی (حق جویی زمین با گردش بدور خود و در نتیجه بهره مندی از نعمت انرژی خورشیدی در جهت ادامه ی حیات و حرکت خود ، و انجام وظیفه ی خورشید در ارائه ی خدمت و پرتو افشانی و دادن حق این کره ی خاکی بصورت عادلانه) می تواند الگوی مناسبی جهت حیات و حرکت انسانها در زندگی بر اساس اصول انسانی و ویژگی های فطری مرتبط تلقی گردد.

اقامه ی نمازهای مغرب و عشا همانند نمازهای ظهر و عصر باهدف ارزشیابی عملکردی ذهنی-حرکتی صورت گرفته ای که در هنگام اقامه ی نمازهای صبح و ظهر و عصربه انجام ان متعهد گردیده است وتعهد اقدام گند زدایی الاینده های احتمالی موثر بر عملکرد ذهنی -حرکتی انسان که در فاصله ی عصرتامغرب ،مغرب تا عشا و عشا تا نماز صبح موجب تغییر رفتار ذهنی - حرکتی گردیده است و همچنین بعنوان مرحله ها ی اول و دوم نوبت سوم تلقیح واکسن (مقاوم سازی) جهت ادامه ی فعالیت و پیشگیری از حملات عوامل بیماریزا و تاثیرگذاردرعملکرد فرد واجتماع درفاصله ی زمانی بین مغرب تاعشا ، و عشا تا نماز صبح اقامه می گردد.

مجموع رکعت های موجود در نمازهای مغرب و عشاهفت(۷) رکعت می باشد که برابر با تعداد الکترونهای سطح اصلی سوم (مدار سوم) اتم کلر می باشد که در دوتراز فرعی توزیع شده است.

بنابراین نتیجه گرفته می شود که گندزدایی و واکسیناسیون ، و نیزتاثیر گذاری واکسن های تلقیحی درمقاوم سازی ، حفظ و ارتقاء سطح سلامت فردی و اجتماعی مشروط به رعایت کامل موازین بهداشتی و ضدعفونی کردن محل تلقیح واکسن قبل از انجام واکسیناسیون و بعد از آن ، نوع واکسن ، مقدار ویا دوز دریافتی ،محل و نحوه ی تلقیح ، تعداد دفعات یادآوری (نوبت های اول و دوم وسوم) می باشد .

در تلقیح واکسن نماز نیز می بایستی به موازین ، مقررات ،محل ،نحوه و سایر موارد مرتبط توجه نمود که اگر بی توجهی و بی دقتی صورت پذیرد نه تنها ایجاد مصونیت نکرده و فرآیند مقاوم سازی را انجام نمی دهد ، بلکه خود بعنوان یک سم مهلک عمل نموده و موجبات بیماری و نهایتا" مرگ فردی و اجتماعی را در فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، زیست محیطی و...را فراهم می سازد. اکنون جهت تبیین این موضوع و با طرح چند پرسش ؛ مقایسه ی نماز و

کلررا در معرض دریافت و تفکر و ارزشیابی همگانی قرار می دهیم تا بلکه انشاءالله با نتیجه گیری و تغییر در برداشت ها نسبت به تغییر عملکردی نمودن مفهوم نماز در سطح وسیع و بصورت فردی و جمعی در محیط های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، زیست محیطی و.....اقدامات مناسب با فرهنگ نماز بصورت یک فرهنگ عینیت یافته ی همگانی تجلی گردد .

۱-آیاکاربرد مفهوم بسم الله در بسم الله الرحمان الرحیم که می بایستی موجب فعال شدن و در نتیجه عملکردی شدن ویژگیهای فطری متناسب با آن بصورت رفتاری ، یعنی توحید و یکتاپرستی فردی و اجتماعی در عملکردهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، زیست محیطی و... گردد ، نمی تواند بعنوان یک عامل مهم گندزدایی (همانند کلر) محسوب شود؟ وآیا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت ؟

۲-آیا کاربرد مفهوم الرحمان الرحیم که می بایستی موجب فعال شدن و در نتیجه عملکردی شدن ویژگیهای فطری متناسب با ان بصورت رفتاری ، یعنی گذشت و چشم پوشی ، تعامل و دوستی ، عشق فردی و اجتماعی و... در عملکردهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، زیست محیطی و... گردد ، نمی تواند بعنوان یک عامل مهم گندزدایی (همانند کلر) محسوب شود؟ وآیا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت ؟

۳-آیا کاربردی کردن مقدمات و ارکان نماز که می بایستی موجب فعال شدن و در نتیجه عملکردی شدن ویژگیهای فطری متناسب با آن بصورت رفتاری ، در عملکردهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، زیست محیطی و... گردد ، نمی تواند بعنوان یک عامل مهم گندزدایی (همانند کلر) محسوب شود؟

وآیا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت؟

۴-آیا مفهوم نیت (قصد و تصمیم) در اقامه ی نماز، بیانگرتعهد در قبال انجام(عملکردی نمودن مفاهیم مندرج درقبل ، حین و بعد از آن) نبوده ؟ و آیا نمی تواند بعنوان یک عامل مهم گندزدایی (همانند کلر) محسوب شود؟ وآیا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت؟

۵-آیا هدف از فرآیند وضو تنها گندزدایی برونی (جسمی) است ؟ و اگر واقعا" چنین است آیا نمی توان استحمام روزانه ورعایت بهداشت جسمی

همیشگی را جایگزین فرآیند وضو و یا غسل نمود؟ آیاحقیقتا"هدف از فرآیند غسل و یا وضو تطهیر و یا گندزدایی (همانند کلر) درونی و برونی فردی و اجتماعی در کلیه ی شئونات مرتبط با زندگی نیست ؟ (چرا خوابیدن موجب ابطال وضو ویا غسل می گردد ؟) وآیا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت؟

۶-آیا شرایط مندرج در انتخاب مکان نمازگزار نظیر غصبی و نجس نبودن آن و نیز قرار نگرفتن در مسیر عبور و مرور و سیلاب و داشتن ایمنی لازم ، نمی تواند همانند کلربعنوان یک عامل مهم گندزدایی درکلیه ی عملکردهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، زیست محیطی و.....تلقی گردد؟ وآیا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت؟

۷-آیا رعایت فاصله ی زمانی و تکرار اقامه ی نماز در پنج نوبت زمانی در شبانه روز و در نتیجه ارزشیابی عملکردی ذهنی-حرکتی فردی و اجتماعی در زمینه های فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، حرفه ای، زیست محیطی و...و اصلاح و تغییر عملکردهای نامناسب با شئونات انسانی ، همانند نظارت بر عمل کلرزنی آب آشامیدنی تصفیه شده ای که مکررا" در معرض عوامل بیولوژیکی بیماریزای محیطی قرار می گیرند ، به میزان مشخص و در دفعات مکرر جهت اطمینان حاصل کردن از عدم وجود لودگی انسانی در کلیه ی شئونات مرتبط با فرآیند زندگی نیست ؟

وآیا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت؟

۸-آیاشرایط لازمه در پوشش نمازگزاریعنی غصبی و نجس نبودن آن ،مبین رعایت پاکیزگی و طهارت در پوشش های برونی و درونی فردی واجتماعی در ساختارعملکردی فرهنگ های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، عقیدتی ، حرفه ای، زیست محیطی و... و ارزشیابی و اصلاح و تغییر عملکردهای نامناسب با شئونات انسانی در فرآیند گندزدایی و آلوده زدایی این پوشش ها نبوده و آیا این موضوع با عملکرد کلر در گندزدایی و تصفیه ی اب اشامیدنی تطابق ندارد؟ وایا کابرد دیگری غیر از این کاربردها را می توان برای آن در نظر گرفت؟

۹-آیا مفهوم اذان به معنای اذن و یا اجازه گرفتن جهت برقراری ارتباط با خالق نیست؟ و آیا جهت برقراری این ارتباط نمی بایستی فرامین حضرت حق در کلیه ی زمینه های مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی را در

فرهنگهای اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ،عقیدتی ،زیست محیطی و... را بصورت عملکرد ذهنی – حرکتی تبدیل نموده و به آن عینیت بخشید ؟ وآیا بدون عینیت بخشیدن به آن می توان مدعی اذن دخول جهت برقراری ارتباط شد؟ آیا این موضوع گند زدایی درونی نبوده و با عملکرد کلر بعنوان گندزدای برونی مطابقت ندارد ؟

۱۰- آیا بیان مفهوم الله اکبر در اذان و تکرار آن در چندین نوبت حاکی ازایجاد و تقویت اکبر شدن خود در عملکرد ذهنی – حرکتی (خودعاملی) نبوده و موجب استقلال و عدم وابستگی مطلق ذهنی و حرکتی فرد و اجتماع به دیگر فرهنگ های اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ،عقیدتی ،زیست محیطی و... نمی گردد ؟ و آیا این به معنای حرکت در جهت تولید و تامین احتیاجات ودر نتیجه ی خودکفایی در زمینه های فکری و عملکردی (حرکتی) نبوده و با عملکرد کلر بعنوان گندزدا مطابقت ندارد؟

۱۱- آیا بیان مفهوم اشهد ان لااله الا الله در اذان و تکرار آن در چندین نوبت حاکی ازایجاد و تقویت توحید و یکتاپرستی بصورت عملکرد ذهنی – حرکتی در کلیه ی عملکردهای موجود در فرهنگ های اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ،عقیدتی ،زیست محیطی و... نمی باشد ؟ و آیا بیان این مفهوم نمی بایستی انسان را از خود پرستی ، دیگرپرستی ، مال پرستی ، مقام پرستی و...دور نگه داشته و عدالت محوری در کلیه ی شئونات فردی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ،عقیدتی ، زیست محیطی و....پیشه ی راه در زندگی گرداند؟ وآیا این بمعنای گندزدایی درونی در کلیه ی موارد مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی نبوده ؟ وآیا باعملکرد کلر در فرآیند گندزدایی مطابقت ندارد؟

۱۲- آیا بیان مفهوم اشهد ان محمدا"رسول الله در اذان و تکرار آن در دونوبت حاکی ازایجاد و تقویت حرکت در جهت احیای الگوهای مرتبط با مفهوم حق (حق گویی ، حق جویی ، حق طلبی) در کلیه ی شئونات فردی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ،عقیدتی ، زیست محیطی و... نبوده ؟ و آیا بیان این مفهوم نمی بایستی انسان وجامعه را از ظلم و ترویج آن در الگوهای حرکتی موجود در فرهنگ های اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ،عقیدتی ،زیست محیطی و... دور نگه داشته ؟ و آیا بدون اثرگذاری در عملکرد ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی بیان این مفهوم می تواند بعنوان یک ارزش تلقی گردیده و بار ارزشی داشته باشد ؟ و کار بیهوده ای بنظر نمی رسد ؟ و آیا این بمعنای گندزدایی درونی در کلیه ی موارد مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی نبوده ؟ وآیا باعملکرد کلر در فرآیند گندزدایی مطابقت ندارد؟

۱۳- آیا بیان مفهوم اشهد ان علی" ولی الله در اذان و تکرار آن بصورت اشهد ان علی" حجت الله حاکی از الگوقرار دادن علی (ع) بعنوان الگوی عدالت در کلیه ی شئونات مرتبط با فرهنگ های اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ،عقیدتی ،زیست محیطی و.......نیست؟ وآیا بیان این مفهوم تبیین کننده ی مفهوم عدل (قرار گرفتن هر حقی در جای خود) و در نتیجه عینیت بخشیدن به آن بصورت عملکرد ذهنی – حرکتی فردی و اجتماعی نبوده که منجر به حرکت فردی و اجتماعی در اجرای آن گردد ؟ آیا تبعیت از ولی و حجت خدا ، و حرکت در جهت درونی کردن صفات تعریف کننده مفاهیم ولی و حجت (که اصلی ترین آنان عدالت است) ، و بیزاری و دوری جستن و مبارزه با هر آن چیزی که بعنوان مانع در مسیر حرکتی عینیت یافتن مفهوم عدالت در کلیه ی عملکردهای اقتصادی ،اجتماعی ،سیاسی ،عقیدتی ،زیست محیطی و... ، بعنوان عامل گندزدایی فردی و اجتماعی نیست؟ وآیا بدون عینیت بخشیدن به آن می توان مدعی اذن دخول جهت برقراری ارتباط شد؟ آیا این موضوع گندزدایی درونی نبوده و با عملکرد کلر بعنوان گندزدای برونی مطابقت ندارد ؟

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹